



## کارگران و اشتهای

### سیری ناپذیر سرمایه داران

طبقه سرمایه دار و دولت پاسدار منافع این طبقه، در تداوم اجحافات و سلسله تعرضات خویش علیه طبقه کارگر و پایمال کردن حقوق اولیه کارگران، تهاجم دیگری را علیه این طبقه تدارک دیده اند. اینان که طی چند سال گذشته، طی یک رشته اقدامات زورگویانه، با توسل به ترفندهای گوناگون و استفاده از ابزارهای "قانونی" که خود آن را بریده و دوخته اند، قراردادهای موقت کار را بر بیش از ۷۰ درصد کارگران تحمیل کرده اند و همین چند ماه پیش با رای "دیوان عدالت اداری" شان، این اکثریت عظیم کارگران را که بیش از همه در لبه پرتگاه اخراج و بیکاری قرار دارند، از بیمه بیکاری و دریافت مقرری بیمه بیکاری محروم ساختند، هم اکنون در صدد آنند که این گروه بزرگ از کارگران را که هر روز بر شمار آنها نیز افزوده می شود، به کلی از شمول قانون کار خارج سازند.

بنا به گزارش ایلنا در اول آبان ماه، گروهی از نمایندگان مجلس ارتجاع در حال تهیه و تدوین طرحی تحت عنوان "طرح اشتغال موقت بیکاران کشور" هستند. بر مبنای این طرح "اشتغال موقت نیروی کار در کلیه کارگاهها و مشاغل بر اساس توافق کتبی شاغلین و کارفرمایان بوده و از شمول قانون کار معاف می باشند".

حسین نوعی اقدم، عضو هیئت رئیسه مجلس پیرامون تهیه و ارائه این طرح می گوید، "استفاده بهینه از ظرفیت های بالقوه کشور که به واسطه قانون کار و قانون تامین

در صفحه ۲

در این شماره

خاطرات فرانک از کار  
در کارخانه ی فولکس واگن ۵

۲ اخباری از ایران  
۴ اخبار کارگری جهان

## پی آمدهای اقتصادی و سیاسی افزایش درآمد نفت

بازار جهانی به نفت و بورس بازی در این بازار، به نظر می رسد که درآمد رژیم از فروش نفت تا پایان سال، صد درصد نیز بیشتر افزایش یابد و به رقم هنگفت ۵۰ میلیارد دلار برسد.

این درآمد کلان نفت در کشوری که طبقه سرمایه دار بر آن حاکم است و رژیم دیکتاتوری و اختناق زمام امور را در دست دارد، به جای این که در خدمت نیازها و رفاه

در صفحه ۷

در پی افزایش بهای نفت در بازار جهانی، در آمد جمهوری اسلامی از فروش نفت در ۶ ماه نخست سال جاری ۱۰ میلیارد دلار نسبت به پیش بینی قانون بودجه، افزایش یافته است. در آمد رژیم از نفت در بودجه سال جاری مجموعاً ۲۳ میلیارد دلار پیش بینی شده است. با افزایش مداوم بهای نفت در یک ماه گذشته و چشم انداز ادامه روند فعلی، با توجه به اوضاع سیاسی منطقه خاور میانه، فرارسیدن فصل زمستان، نیاز

## استحاله شوراهای اسلامی کار و توهم زدائی ILO

مطابق معمول، متن کامل و دقیق این بحث ها و گفتگوها ویا تصمیمات و توافقات مربوطه به طور علنی در جایی انعکاس نیافته است، اما از روی اظهارات پراکنده آنان پیرامون قانون کار و تشکل های کارگری که در سایت ایلنا انعکاس یافته است، می توان به ماهیت و مضمون این گونه تلاش ها پی برد. بحث های هیئت اعزامی

در صفحه ۳

با دیداری که اخیراً هیئت نمایندگی سازمان بین المللی کار (ILO) از تهران به عمل آورد، بار دیگر بحث تغییر قانون کار و ایجاد تشکل های کارگری به میان کشیده شده است. هیئتی که اوائل مهرماه سال جاری به ایران سفر کرده بود در جریان دیدارها و گفتگوهای خود با مقامات و مسئولین وزارت کار، خانه کارگر و نمایندگان کارفرمایان، توافقاتی را نیز به امضا رسانده است. هر چند

## مصاحبه با نسترن، یک معلم مبارز

### ۸ پیکارهای آموزگاران، رنج های دانش آموزان



## سومین فوروم اجتماعی اروپا چالش ها و پارادوکس ها

## اخباری از ایران

### تجمع اعتراضی کارگران نساجی

روز یکشنبه ۲۶ مهر، کارگران کارخانه نساجی "پایکان امل" در اعتراض به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و احتمال تعطیل دائمی آن، همچنین در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود، در محل کارخانه دست به تجمع زدند. شایان ذکر است که این شرکت از بهمن ماه سال ۸۲ به بخش خصوصی واگذار شده است و هم اکنون حدود یک ماه است که برق آن قطع شده است و با تعطیلی آن به بهانه بدهی، ۷۲۵ کارگر این کارخانه، کار خود را از دست می دهند. کارگران طی این اقدام اعتراضی خود، خواستار ادامه کاری کارخانه و ضمانت شغلی خود شدند.

### کارگران از خروج دستگاههای تولید جلوگیری کردند

مدیریت کارخانه "بهمن پلاستیک" چندین ماه است که به این کارخانه مراجعه نکرده و عملاً این کارخانه را به حالت تعطیل در آورده است. افزون بر این، بیشتر از ۴ ماه است حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشده است. حدود سه هفته پیش وقتی که دوفتر به عنوان قائم مقام و مدیر اجرایی به این کارخانه و مراجعه کرده بودند و حکم تعطیلی کارخانه و جلوگیری از ورود کارگران به کارخانه را همراه داشتند و می خواستند دستگاهها و ماشین آلات را به محل دیگری منتقل نمایند، شدیداً مورد مخالفت کارگران قرار گرفتند. کارگران ضمن اعتراض به این مسئله، مانع اجرای نیت مدیریت شدند.

### اعتراض کارگران "باف ایران"

۸۰ تن از کارگران رسمی شرکت "باف ایران" بیش از چهار ماه است دستمزد نگرفته اند. کارفرمای این کارخانه از مدت ها قبل این کارگران را به شیوه های مختلفی تحت فشار گذاشته تا آنها را مجبور به امضای قراردادموقت نماید. اما کارگران در برابر این فشارها مقاومت نموده و از امضای قرارداد موقت خودداری کرده اند. کارفرمای کارخانه تاکنون شش تن از کارگران را به دلیل عدم امضای قرارداد موقت از کار اخراج نموده است. کارگران نسبت به اقدامات زورگویانه و اجبار به امضاء قرارداد موقت شدیداً اعتراض دارند. روز ۲۸ مهر با تجمع اعتراضی در اداره کار، خواهان تعیین تکلیف و رسیدگی به مشکلات خود شدند.

### کارگران بخشی از مطالبات خود را گرفتند

پس از اعتراضات مکرر و اجتماعات اعتراضی متعدد کارگران شرکت "ایران کف" رشت، در برابر اداره کار، استناداری و غیره، و پس از سپری شدن بیش از ۱۵ ماه بلاتکلیفی کارگران و بی پاسخ گذاشتن مطالبات کارگران، سرانجام مقرر شد، مبلغ ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال به

## کارگران واشتهای سیری ناپذیر سرمایه داران

با تصویب و اجرای "طرح اشتغال موقت بیکاران"، این جدیدترین دست پخت سرمایه داران و مرتجعین، امضای قراردادهای سفید امضاء و دادن سفته که ظاهراً فاقد وجاهت قانونی است و کارگران با زور و اجبار به آن تن می دهند، تحت عنوان "توافق کتبی" کارگر و کارفرما نیز قانونیت پیدا می کند و با جایگزینی این اصطلاح ظاهر پسند و آبرومندانه! معضل قراردادهای سفید امضای قبح آمیز هم از پیش پای سرمایه داران و کارفرمایان برداشته می شود و در واقع، زورگویی و اجحاف خارج از حد و اندازه ی سرمایه داران نیز پوشش قانونی به خود می گیرد.

با تصویب این لایحه، گفتن ندارد که فشار کار و استثمار کارگران بیش از پیش تشدید می شود. میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری که متعاقب یک سلسله تعرضات سرمایه داران در حال حاضر نیز در چنگال فقر، گرسنگی، بیکاری و نداری دست و پا می زنند، بیش از پیش به کام تباهی و سیه روزی کشیده شده و به فقر جامعه سقوط می کنند. طرح جدید سرمایه داران، تنها گسترش ابعاد بی حقوقی کارگران و پایمال کردن حقوق اولیه آنان نیست، کوشش برای باز ستاندن دستاوردهای یک سده مبارزه کارگری و برای استقرار و تحمیل یک رشته مناسبات عهد عتیقی و برده وار بر استثمار شوندهگان است. دامنه این تعرضات و جنایات سرمایه داران خشم میلیون ها انسان را برانگیخته و هیچ جانی برای سکوت و خاموشی باقی نگذاشته است. تجربه چندین ساله حکومت اسلامی سرمایه داران، به خوبی نشان داده است که اگر کارگران در برابر تعرض سرمایه داران سکوت کنند و خاموش بنشینند، آنان تعرضات دیگری را علیه کارگران سازمان می دهند و تا مرز نابودی جسمی کارگران و اعضا خانواده آنها پیش می روند. حرص و آز سرمایه داران و نظام سرمایه را حد و مرزی نیست. گسترش فقر، بدبختی، گرسنگی و بیماری با حیات این نظام آدم خوار عجیب است و از نابودی جسم و جان انسان هاست که جان می گیرد. اشتهای این غول مرگ زای فربه شده از خون و گوشت کارگر، سیری ناپذیر است. برای افسار زدن بر این غول افسار گسیخته، راه دیگری جز اتحاد و مبارزه متشکل در برابر کارگران وجود ندارد.

به راستی آیا هنوز زمان آن نرسیده است که پتک پر وزن اتحاد خود را بالا بریم و باتمام نیرو آن را برفوق این غول عنان گسیخته ی آدم خوار فرود آریم؟

از صفحه ۱

اجتماعی خالی مانده است، حمایت از سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال از دلایل تهیه و پیشنهاد این طرح است. در طرح جدید سرمایه داران و نمایندگانشان در مجلس ارتجاع، کارگر و کارفرما، نسبت به پرداخت حق بیمه کارگر، "مخیر" اند و می توانند با "توافق" همدیگر عمل کنند!

سرمایه داران به یاری و دست در دست قانون گزاران خود در تلاشند قانوناً هم خود را از قید هر قانون هزینه زا و هرگونه قید و بندی در مورد شرایط کار و استثمار کارگران برهانند.

با طرح جدید نمایندگان سرمایه داران و مرتجعین در مجلس، به کارفرما قانوناً این اختیار داده می شود که حق بیمه کارگر را بپردازد یا نپردازد. او در این زمینه کاملاً "مخیر" است و به اجرای هیچ بند و قانونی متعهد و مکلف نیست!

هر کارگری این را می فهمد که معنای عملی این حرف و اختیار، منتفی شدن بیمه درمانی کارگر و اعضای خانواده او در زمان شاغل بودن است. حرف سرمایه دار که دائماً دنبال افزایش سود است، این است که قانون کار و تامین اجتماعی برای هزینه زاست و او نمی خواهد این هزینه را بپردازد. سرمایه دار می خواهد خارج از هر قید و بندی، خودش یگانه تصمیم گیرنده در مورد نحوه برخورد با کارگر، استخدام، دستمزد، بیمه، شرایط کار و غیره باشد و طرح جدید، تامین کننده تمام این خواست هاست. اگر این طرح که با قید یک فوریت به مجلس داده می شود به تصویب برسد، میلیون ها کارگری که با قراردادموقت کار می کنند و در حال حاضر نیز از بسیاری از مزایا و حقوق "قانونی" یک کارگر دائم محروم اند، مستقل از این که در چه کارگاه، موسسه و واحدی و با چند کارگر مشغول به کارند، به کلی از شمول قانون کار معاف می شوند. سرمایه داران سودپرست و نمایندگان مرتجع آنها، این بار نیز تحت عنوان "ایجاد اشتغال" ارتکاب جنایت بزرگ تری را تدارک می بینند. همه کارگران به یاد دارند که در خارج ساختن کارگاههای با ۵ کارگر و کمتر از شمول قانون کار نیز همین بهانه عنوان می گردید و همگان به چشم خود دیدند که با خارج ساختن این کارگاهها از شمول قانون کار، نه تنها اشتغالی ایجاد نشد، بلکه بر شمار بیکاران نیز به طور تصاعدی اضافه شد و بسیاری از کارگرانی که پیش از آن شاغل بودند با اجرای آن طرح، اخراج شده و شغل خود را از دست دادند. تا جایی که حتا رئیس کانون عالی شورای اسلامی کار هم می گوید، "طبق آمار، بیش از ۵۰ درصد بیکاران فعلی، قبلاً مشغول به کار بوده اند" (ایلنا- ۲/ آبان/ ۸۳)

## اخباری از ایران

صورت علی الحساب به کلیه کارگران پرداخت شود و باقیمانده طلب کارگران حداکثر، ظرف ۴۵ روز آینده پرداخت شود. ۷۰ کارگر این کارخانه، بیش از دو سال است حقوق و مزایای خود را نگرفته اند.

### تحصن کارکنان اتوبوس رانی

کارکنان اتوبوس رانی اهواز در اعتراض به تعویق پرداخت بیش از دوماه حقوق خود، روز سه شنبه ۲۹ مهر دست به اعتراض و تحصن زدند. سازمان اتوبوس رانی علاوه بر حقوق و مزایای کارگران هیچ نوع امکاناتی از قبیل اقلام مصرفی و خواروبار نیز به کارکنان نداده است. کارکنان طی این اقدام اعتراضی خود، خواستار تحقق مطالبات خود شده و هشدار دادند چنانچه حقوق های معوقه آنان پرداخت نشود، ظرف چند روز آینده دست به اعتصاب خواهند زد.

### نامه اعتراضی

- کارگران شرکت زغال سنگ البرز مرکزی، با امضاء و ارسال نامه ای به مطبوعات، ضمن اعتراض به خصوصی سازی این شرکت و عواقب ناگواری که برای کارگران به دنبال داشته است، مراتب اعتراض و ناراضی خود را نسبت به نحوه برخورد هیئت مدیره با کارگران و نحوه فروش منازل سازمانی به آنها، اعلام داشتند.

- حدود صد نفر از کارگران شرکت تولیدی "تخنخاز" که از شهریور سال ۸۱ بیکار و سرگردان شده و پس از مدتی به بیمه بیکاری معرفی شده بودند با ارسال یک نامه، نسبت به عدم پرداخت حق سنوات برخی از همکاران بازنشسته خود اعتراض نموده و خواستار پایان بلا تکلیفی و بازگشت به کار شدند. کارگران در نامه خود، یک ماه به کارفرما مهلت داده اند تا نسبت به برآورده ساختن مطالبات آنها، اقدام کند. - کارگران شرکت "مهران موج" همدان با ارسال یک نامه به مطبوعات که در سایت ایلنا نیز انعکاس یافته است، نسبت به قرارداد های سفید امضاء و پائین بودن میزان دستمزدها اعتراض نموده و خواستار احقاق حقوق خود شدند. در این نامه، کارگران از جمله به این موضوع اشاره کرده اند که دستمزد کارگران در سال ۸۱ مبلغ ۳۰ هزار تومان، ۸۲، ۴۰ هزار تومان و سال جاری ۶۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است ضمن آن که کارفرما عیدی و مابه التفاوت این مبلغ ناچیز را نیز تاکنون نپرداخته است.

- کارگران کارگاه های شرکت طرح و توسعه شبکه مخابراتی، با تهیه یک طومار و ارسال آن به مطبوعات، نسبت به توقف و تعطیلی این کارگاهها اعتراض نموده و خواستار راه اندازی مجدد این کارگاهها شدند.

## استحاله شوراهای اسلامی کار و توهم زدائی ILO

کارگر و کارفرما و قانون کار، آنها نیز به بازی گرفته شوند، در جریان بحث ها و گفتگوها و توافقات، از حضور آنها نیز استفاده شود و در این تغییر و تبدیلات، سهم رضایت بخشی نیز به آنان اختصاص داده شود. از همه مهم تر آنها اصرار داشتند، جریان اضمحلال شوراهای اسلامی کار، متدرجا انجام شود به نحوی که آنها فرصت داشته باشند خودشان را با وضعیت جدید به انطباق بکشند! البته در این فاصله بسیاری از شوراهای اسلامی منحل شده اند. بسیاری از آنها اسم خود را عوض کرده و به انجمن صنفی یا اتحادیه تغییر نام داده اند، معهدا وضعیت در این زمینه، هنوز به مرحله نهائی نرسیده و فرم نهائی را به خود نگرفته است. هر چند زمان تعیین تکلیف قطعی و نهائی با این ارگان ها بسیار بسیار نزدیک تر شده است.

آقای "تاپیولا" نماینده سازمان بین المللی کار در دیدار خود با مسئولین مرکزی خانه کارگر، بیش از هر چیز بر "تقویت" تشکل های کارگری تاکید نمود. او گفت، "مهم نیست این تشکل ها چه نامیده می شوند، مهم این است که از سوی دولت و کارفرما به رسمیت شناخته شوند" آقای "تاپیولا" در ادامه سخنان خود چنین اظهار نظر نمود "در کنار این مسئله که کارگر را در مقابل گزینه های مختلفی در انتخاب تشکل ها قرار دهیم، می توانیم به تقسیم مسئولیت و وظیفه در تشکل های موجود نیز فکر کنیم" (ایلنا ۱۲ مهر ۸۳) صرف نظر از این که کارگران هیچ گونه اعتمادی به شوراهای اسلامی کار ندارند و این ارگان ها هیچ ربطی به توده کارگران ندارد، که این در صحبت های آقای نماینده ILO به کلی غایب است، اما این واقعیتی است که شوراهای اسلامی مدت های مدیدی است که دیگر مثل گذشته از سوی دولت حمایت نمی شوند. آنها محصول دوران و شرایط معینی بودند و امروز و در شرایط متفاوت، دیگر نمی توانند نقش دوران گذشته را بازی کنند

و اساسا فاقد کارائی اند. دولت در تدارک ایجاد تشکل های بی در دسر دیگری است که نام آن را همان انجمن صنفی گذاشته است و این را در توافقاتش با ILO، اعلام نیز کرده است. از سوی دیگر کارفرمایان و مدیران کارخانه ها نیز، اغلب دل خوشی از شوراهای اسلامی ندارند و به انجمن های صنفی فکر می کنند. بنابراین این ارگانها یا باید منحل شوند، یا با حذف حشو و زوائد خود و با کمی تغییر به انجمن صنفی مبدل شوند و یا آن طور که در صحبت نماینده

ILO با طرف های ایرانی و توافقات مربوطه در ادامه همان مباحث و توافقات پیشین است که اساسا حول دوماه، یکی تشکل های کارگری و یکی هم فصل ششم قانون کار دور می زند.

آقای "تاپیولا" نماینده ILO، مقدم بر هر اقدامی، به دیدار مسئولین مرکزی خانه کارگر شتافت. در دیدار های قبلی هیئت اعزامی ILO از ایران و اظهار نظر آن ها پیرامون شوراهای اسلامی کار، چنین عنوان شده بود که این تشکل ها با معیارهای سازمان بین المللی کار و مفاد مقوله نامه ۸۷ آن خوانائی ندارد و در همین رابطه تشکیل انجمن های صنفی را توصیه کرده بودند. دست اندرکاران و سران شوراهای اسلامی و خانه کارگر نیز تمایل خود به گشوده شدن این گره را نشان داده و علی العموم پذیرفته بودند که این تشکل ها دیگر پاسخگوی نیازها و شرایط جدید نیست و باید دگرگون شوند. آنان آمادگی خود را برای تبدیل شوراهای اسلامی به انجمن های صنفی اعلام کرده بودند و حتا حاضر شده بودند با کمک نمایندگان ILO، اصول ناظر بر شوراهای اسلامی را تغییر داده و آن را اصلاح و بر معیارهای ILO و مقوله نامه ۸۷ آن منطبق سازند.

وزارت کار رژیم نیز در همین رابطه سال گذشته توافقاتی را با فرستادگان ILO به امضا رساند. این توافقات ناظر بر تغییر یک سری از مواد و بندهای قانون کار بود، از جمله تغییر تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار به منظور برداشتن مانع قانونی تشکیل انجمن های صنفی، تغییر ماده ۱۳۵ و تبصره آن، و ماده ۱۳۷ به نحوی که به شوراهای اسلامی صرفا یک نقش مشورتی می داد و حق مذاکره، پیمان های دستجمعی و سایر امور صنفی را انحصارا به انجمن های صنفی و سندیکاها و آگذار می نمود. این تغییرات در یک کلام ناظر بود بر تضعیف بیش از پیش شوراهای اسلامی و فراهم ساختن زمینه های تشکیل انجمن های صنفی.

هیئت اعزامی ILO اکنون دوباره به ایران برگشته است تا پیشرفت کارها در این زمینه ها را از نزدیک کنترل و مشاهده کند. دست اندرکاران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که با همان نخستین سفر نمایندگان ILO در مهرماه سال ۸۱- و حتا قبل از آن- به این موضوع پی برده بودند که دیگر نمی توانند این ارگان ها را در شکل و شمایل قبلی و با ساختار تاکنونی حفظ کنند، هر چند که برخی از آنان در ظاهر غرولند می کردند، اما از ته دل به تغییر آن راضی بودند، مشروط بر آن که در مسائل و مباحث مربوط به روابط



### اعتصاب بزرگ کارگران بوخوم

روز سه شنبه ۱۹ اکتبر برای ششمین روز متوالی خط تولید در کارخانه خودرو سازی ایل در شهر بوخوم (Bochum) آلمان بی حرکت است. پس از انتشار خبر اخراج وسیع کارگران این کارخانه (سازنده محورها، دیفرانسیل و جعبه دنده) از طرف کمپانی عظیم خودروسازی جنرال موتورز (GM)، وضعیت بحرانی این شرکت را فرا گرفت. حدود ۶۰۰ تن از کارگران بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۴ اکتبر بطور خود جوش و بدون اعلام قبلی و یا مشورت با رهبران اتحادیه دست از کار کشیده درهای ورود و خروج کارخانه را مسدود کردند. پیرو آن ۱۵۰۰ تن از نوبت کاری شبانه و ۲۰۰۰ تن در نوبت صبح جمعه این اعتراضات را بطور فعال پی گرفتند. از آن روز تا کنون تولید در این کارخانه عملاً متوقف شد. اگر وضع بهمین منوال ادامه یابد بزودی شاهد توقف اجباری خط تولید در دیگر کارخانه های اروپائی وابسته به جنرال موتورز خواهیم بود که در آن صورت روزانه ۳۰ میلیون یورو به این کمپانی ضرر وارد خواهد شد. در مجموع ۸ کارخانه در اروپا از جمله فیات (Fiat) ایتالیا، ساب (Saab) سوئد، واکسهال (Vauxhall) انگلیس، ایل (Opel) آلمان، یک کارخانه لهستانی، یک کارخانه اسپانیائی، یک کارخانه پرتغالی و یک کارخانه بلژیکی وابسته به جنرال موتورز هستند. دیگر کارخانه های وابسته به این غول خودرو سازی جهان از این قرارند: Chevrolet, Cadillac, GMC, Pontiac, Buick, Daewoo همچنین بیشترین سهام کارخانجات Fiat, Subaru و Suzuki متعلق به GM است. در مجموع ۳۴۰۰۰۰ تن برای این کنسرن کار می کنند که ۳۷۰۰۰ تن آن در کارخانه ایل آلمان مشغولند. تنها رقیب آن کمپانی ژاپنی تویوتا (Toyota) است.

کارخانه ایل شهر بوخوم قطعات یدکی برای کارخانه های زیر مجموعه در اروپا تولید می کند. بگفته مدیریت کمپانی جنرال موتورز در دیترویت (Detroit) امریکا قرار است فعلاً ۱۲۰۰۰ تن از کارگران در اروپا از مجموع ۶۲۰۰۰ تن اخراج شوند. از این تعداد ۱۰۰۰۰ تن شامل کارگران آلمان خواهد شد که ۴۰۰۰ تن در شهر بوخوم و مابقی در شهرهای Rüsselsheim (مرکز اصلی ایل) و Kaiserslauter (سازنده موتور) خواهند بود. مدیریت قصد دارد بدین ترتیب ۵۰۰ میلیون یورو "صرفه جویی" کند. از ۱۹۲۰۰ کارگر ایل در بوخوم در سال ۱۹۹۲ تا کنون تنها ۹۶۰۰ تن باقی مانده اند. با اخراج ۴۰۰۰ تن دیگر تا بسته شدن کامل این کارخانه در این شهر زمان زیادی باقی نمی ماند. قرار است تولید این کارخانه گام به گام به کارخانه لهستانی (به خاطر ارزان بودن نیروی کار و در نتیجه سود بیشتر سرمایه) منتقل شود. ۲۰۰۰۰ شاغل شرکت های کوچک و متوسط برای این کارخانه قطعه سازی می کنند. اخراج

کارگران و انتقال بعدی تولید کارخانه به لهستان، بیکاری این کارگران را نیز بدنبال خواهد داشت. بر این تعداد باید بخشهای خدماتی (کافه رستورانها، فروشگاه ها و ...) را اضافه کرد که با بیکاری وسیع این کارخانه تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب پیشبینی و همبستگی عظیم مردم این شهر (حتی در بازی فوتبال) با اعتراضات کارگران قابل درک است.

با هماهنگی اتحادیه ها در سطح اروپا ۵۰۰۰۰ کارگر کارخانه های وابسته به جنرال موتورز امروز متحدانه دست به اعتراض زدند. در Rüsselsheim ۱۶۰۰۰ تن و بوخوم ۲۰۰۰۰ تن در شهر راهپیمائی کردند. در بوخوم کارگران کارخانه های خودرو سازی پورشه (Porsche)، فولکس واگن (VW)، دایملر کرایسلر (DaimlerCrysler) و دیگر شرکتها نیز بعنوان همبستگی در این راهپیمائی شرکت کردند. همچنین کارگران کارخانه در Kaiserslauter و Eisennach (شرق آلمان) دست از کار کشیدند. در همین حال مذاکرات بین اتحادیه فلز و مدیریت کارخانه شروع شده است. علی رغم این حضور قدرتمند طبقه کارگر رهبران اتحادیه فلز و "شورای کارخانه" (شورای اسلامی کار آلمان!) کارگران را دعوت می کنند به سر کار برگردند. در یک هفته گذشته وزیر اقتصاد و کار آلمان مخالفت خویش را با این "اعتصاب وحشی" اعلام کرده مدام از کارگران می خواست تا بسر کار برگردند. در این روز با شکوه همبستگی کارگری، اسقفی در مراسم شهر بوخوم سخنرانی کرد و خواستار برگشت کارگران به سر کار شد. رسانه های بورژوازی مدام علیه این حرکت کارگران سمپاشی کرده اند. با این همه تا کنون کارگران بوخوم دست رد به سینه همه کارگزاران و پادو های رنگارنگ سرمایه از جمله وزیر راست سوسیال دمکرات زده اند. با توجه به ادامه بحران ساختاری سرمایه داری کارگران خوب آگاهند که اکثر کارگران اخراجی کاری پیدا نخواهند کرد و پس از کمتر از یکسال برنامه ارتجاعی ضد کارگری هارتز ۴ سطح زندگی شان را به خط فقر نزدیک می کند. روز چهارشنبه ۲۰ اکتبر کارگران بوخوم در مورد ادامه اعتصاب و یا رفتن به سر کار به رای گیری می پردازند. در هر دو حالت پرسش اساسی این خواهد بود: با چه چشم اندازی؟ نتایج این حرکت رادیکال بزودی محدود بودن قدرت مانور کارگران را، مادام که در چارچوب نظم موجود انجام می پذیرد، نشان خواهد داد.

### اعتصاب کارگران در بلژیک

کارگران شرکت خدمات پستی DHL روز ۱۲ اکتبر دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این اعتصاب پس از اعلام تصمیم مدیریت این شرکت مبنی بر اخراج بخشی از کارگران و انتقال خدمات مربوط به پخش بسته های پستی به خارج از اروپا اعلام شد. مدیریت این شرکت به دنبال نیروی کار ارزان است و پس از اینکه کارگران شعبه بلژیک در مقابل تلاشهای مدیریت مبنی بر کاهش دستمزدها دست به مقاومت زدند، اکنون راه تهدید و اخراج کارگران در پیش گرفته شده است. کارگران اعلام نمودند که اعتصاب تنها راه حفظ اشتغال آنها است و در هفته های

آتی نیز از این سلاح خود استفاده می کنند.

### موج اعتصاب در میان بافندگان چین

شهر بیان یانگ یکی از مراکز صنایع بافندگی در چین است. از اوایل تابستان امسال ۳ کارخانه بزرگ با بیش از ۱۸ هزار کارگر به سرمایه گذاران غربی واگذار شده است. آخرین کارخانه، کارخانه بافندگی تیانگ وانگ، در اوایل سپتامبر به شرکتی مرکب از سرمایه گذاران انگلیسی و هنگ کنگی واگذار شد. واگذاری این کارخانه ها تضییقات بیشماری را برای کارگران این کارخانه ها، که اکثر آزن هستند، به همراه داشته و مبارزه و مقاومت را در صفوف کارگران دامن زده است. از جمله بیش از ۶ هزار کارگر کارخانه تیانگ وانگ از اواسط سپتامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. صاحبان جدید این کارخانه در گام نخست و با تأیید مقامات دولت کمیته حزبی و تشکیلات اتحادیه ائی در این کارخانه را منحل کردند. در گام بعد اعلام شد که تمامی کارگران و کارکنان این کارخانه اخراج شده و مجدداً به استخدام این کارخانه درمی آیند. با این کار صاحبان جدید تلاش دارند سابقه کار کارگران را نادیده گرفته و سیستم افزایش دستمزدها به نسبت سابقه کار را پایان دهند. و بالاخره حق دولتی بیمه درمانی و بازنشستگی کارگران نیز از چشم سودجویانه سرمایه داران پنهان مانده و اکنون عنوان شده است کارگرانی که مجدداً در این کارخانه استخدام خواهند شد باید بخشی از دستمزدهای خود را صرف هزینه های درمانی و بازنشستگی خود کنند. تمام این اجحافات اشکار، کارگران بافنده این کارخانه را به مبارزه روزانه با صاحبان جدید کشانده است. اعتصابیون هر روزه در مقابل دربهای این کارخانه تجمع کرده و با مراجعه به مراجع مختلف دولتی در تلاشند تا اقدامات ضد کارگری صاحبان جدید را متوقف سازند.

### موج اعتصاب در روسیه

روز ۲۰ اکتبر بیش از ۱ میلیون نفر از کارگران و کارکنان شاغل در بخشهای مختلف دولتی در سراسر روسیه دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. گذشته از اوضاع فلاکت بار میلیونها کارگر، معلمان روسیه نیز با گرسنگی و کاهش مداوم سطح زندگی خود مواجه هستند. حقوق متوسط معلمان روسیه مبلغی حدود ۱۰۰ دلار در ماه است و این به هیچ روی کفاف هزینه های دائمی افزایش یافته را نمی کند. در این روز بندر ولادی وستک شاهد راه پیمائی و تجمع هزاران معلم و کارگری بود که از شهرهای اطراف در این حرکت شرکت می کردند.

### اعتصاب کارگران بافنده در بنگلادش

روز ۱۹ اکتبر تمامی کارگران ۸ کارخانه بافندگی در منطقه Khulna-Jessore در بنگلادش دست به یک اعتصاب دو روزه زدند. مبارزات بافندگان حصیر این منطقه از اوایل تابستان امسال حول یک منشور ۸ ماده ای آغاز شده است. مطالبات کارگران شامل افزایش دستمزدها، بهبود شرایط ایمنی کار و دیگر

## خاطرات فرانک از کار در کارخانه ی فولکس واگن

فرانک و.، کارگر آلمانی، برای مدت شش ماه در کارخانه ی "اتومبیل ۵۰۰۰" که متعلق به فولکس واگن است، استخدام می شود. در این مقاله بخشی از تجربیات او به قلم آمده است.

فرانک ۲۴ سال دارد. او پس از پایان دوره ی تحصیل و دیدن آموزش دوره ای عملی به عنوان شیشه انداز، یک سال خدمات مدنی (به جای دوره ی سربازی- مترجم) انجام می دهد. پس از آن در رشته ای که آموزش دیده است، نزد شرکتی مشغول به کار می شود. این شرکت پس از یک سال ورشکسته شده و او به جستجوی کاری تازه می پردازد...

اواخر سال ۲۰۰۲ بود که فرانک نزد کارخانه ی فولکس واگن تقاضای کار می دهد. او تمامی مراحل پذیرش مانند پر کردن اجباری فرم تقاضای کار که از طرف خود کارخانه تنظیم شده است، مصاحبه فردی، مصاحبه ی جمعی که یک روز کامل طول می کشد، معاینات پزشکی و غیره را با موفقیت از سر می گذراند. در این مراحل گوناگون که موفقیت در آنان حتی برای انجام کاری ساده در بخش مونتاژ ضروری است، توانایی های گوناگون کارگر و نیز توانایی به اصطلاح کار جمعی او ارزیابی می شود. پس از موفقیت در مراحل پذیرش در آغاز سال ۲۰۰۳، فرانک از سوی اداره ی دولتی کار (!!!)، سه دوره ی آموزشی برای کسب مهارت های لازم برای استخدام در کارخانه ی فولکس واگن می بیند. پس از گذراندن سه ماه دوره ی عملی، با او مانند دیگر متقاضیان، قرارداد موقت شش ماهه ای برای استخدام آزمایشی بسته می شود. حقوق او بالغ بر ۲۰۴۵ یورو در ماه است. رؤسای کارخانه، او و دیگر کارگران را تشویق به باز کردن حساب پس انداز نزد بانک فولکس واگن می کنند. سپس یکی از فعالین اتحادیه ی کاری، کارگران تازه وارد را برای اتحادیه ی IG-Metal عضوگیری می کند. معرفی در گروه انجام گرفته و کار آغاز می شود...

در بخشی که فرانک کار می کند، ۴ گروه مشغول به کار هستند، که هر گروه از ۱۰ نفر تشکیل شده است. فرانک مانند دیگر کارگران جدید در بخش مونتاژ آغاز به کار می کند. جوان ترین کارگر گروه ۲۰ سال دارد و مسن ترین آنان ۴۶ ساله است. این افراد قبلاً به کارهای متفاوتی مشغول بوده اند؛ از نقاش گرفته تا تکنیسین برق بین آنان

## اخباری از ایران

از صفحه ۳

اخراج و بیکار سازی کارگران ادامه دارد - مدیریت کارخانه صنعتی الکترونیک خراسان، در صدد اخراج ۱۸۰ کارگر دیگر این کارخانه است. در سال گذشته نیز ۲۰۰ کارگر این کارخانه اخراج شدند. در عین حال کارفرمای این شرکت در تعقیب سیاست اعمال فشار بیشتر بر کارگران، تصمیم گرفته است، علاوه بر تخریب سالن های ورزشی کارگران، ده در صد حقوق کارگران را که تحت عنوان حق نوبت کاری دریافت می کرده اند، حذف کند. کارگران که شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند نسبت به این اوضاع شدیداً اعتراض دارند.

- کارگاههای شرکت طرح و توسعه شبکه های مخابراتی از اول فروردین سال جاری تعطیل شده اند. ۳۵۹ کارگر این کارگاهها که سرگردان و در معرض بیکاری اند، خواهان راه اندازی کارگاهها می باشند.

- کارخانه های "جهان چیت"، "صوفی آباد" و "برزنت" در شهرستان کرج تعطیل و بیش از دو هزار کارگر بیکار شده اند. خطر بیکاری کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی دیگر کرج از جمله کارخانه شمشاد، کارخانه مهناز، روغن نباتی جهان و برخی واحدهای دیگر را نیز تهدید می کند.

- مدیریت شرکت "آلومینیوم خزر" واقع در شهر صنعتی رشت با انتقال دستگاه های تولیدی به شهرستان کرج، ۳۰ کارگر این کارخانه را اخراج نمود.

- مدیر عامل "ایران پاپیروس" به قصد کاهش هزینه ها، نیمی از کارگران این شرکت را اخراج نمود و هم اکنون در صدد آن است ۱۲۰ تن دیگر از کارگران این کارخانه را که بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند، اخراج کند. بعد از شکایت کارگران نسبت به اخراج ها، حکم بازگشت به کار اخراجی ها صادر شده است اما کارفرما کماکان از بازگشت به کار شماری از کارگران ممانعت به عمل می آورد.

- کارگاه راه سازی "باهنررشت" که از سال ۷۸ به مدت ۵ سال به بخش خصوصی واگذار شده بود، پس از اتمام این مدت تعطیل شد و ۵۰ کارگر این کارگاه که هر یک بیش از ۱۵ سال سابقه کار دارند، بلا تکلیف شده و در معرض بیکاری قرار گرفتند.

- کارفرمای کارخانه "میره ای" که در زمینه تولیدات نساجی و نخ فعالیت می کند، در صدد اخراج کارگران است. کارگران به محض با خبر شدن از این تصمیم کارفرما شدیداً به اعتراض و مخالفت پرداخته و تلاش های کارفرما برای خروج دستگاهها و انتقال آن به مکان دیگری را به شکست کشانده و مانع عملی شدن نقشه های وی شدند. کارگران این کارخانه شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند و ضمانت شغلی می خواهند.

- بیش از یک سال است حقوق و مزایای کارگران کارخانه "الیاف شیروان" پرداخت نشده است. کارفرمای این شرکت که تحت عنوان "نیروی مازاد"، ۳۸۰ کارگر این کارخانه را

تاکنون به بهانه های مختلفی اخراج و باز نشست نموده است، در صدد اخراج ۱۵۰ کارگر دیگر این کارخانه است.

- به دنبال تقاضای مدیریت شرکت "نازخ" واقع در استان قزوین، مبنی بر تغییر ساختار کارخانه، این شرکت از مهر سال ۸۱ به مدت یک سال تعطیل شد و سپس با تمدید این مدت، ۳۷۰ کارگر کارخانه به مدت دوسال به بیمه بیکاری معرفی شدند. قرار بود پس از اتمام این مهلت و از اول مهر سال ۸۳، کارگران به سر کارهای خود بازگردند. با وجود آن که یک ماه از این تاریخ گذشته است و کارگران حدود یک میلیون تومان از شرکت طلبکارند، اما کارفرما هیچگونه اقدامی نه برای پرداخت بدهی ها و نه جهت بازگشت به کار کارگران انجام نداده است، بلکه ۱۳۰ کارگر قراردادی را نیز به استخدام آورده است.

### سوانح ناشی از کار

- یکی از کارگران شاغل در یکی از سکویهای نفتی در جزیره سیری، هنگام کار روی یکی از کشتی های حمل و نقل مواد نفتی به دریا افتاد و غرق شد.

- دوشنبه ۲۷ مهر، کارگری هنگام کار در کارخانه آهک در روستای "آبشیز" همدان جان خود را از دست داد.

- همان روز در شهرستان عسویه کارگر دیگری هنگام کار با غلتک، از بلندی سقوط نمود و جان خود را از دست داد.

- سه شنبه ۲۸ مهر نیز کارگر دیگری اهل نیشابور در حین انجام کار در کارخانه روغن کشتی به درون دستگاه روغن کشتی سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

### چند خبر کوتاه

- شرکت "یزدکیسه" حدود یک سال است دستمزد ۷ کارگر این کارخانه را نپرداخته است.

- در همدان کارگران جوان با ۱۰ ساعت کار روزانه ماهانه تنها ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان دستمزد می گیرند و در عین حال کارفرمایان از این کارگران سفته هم می گیرند که در صورت اعتراض آنها به شرایط کار، کارفرما نه فقط کارگر را اخراج می کند، بلکه سفته را نیز به اجرا می گذارد. شایان ذکر است که اکثر این کارگران در کارگاههای با پنج کارگر و کمتر کار می کنند.

- شمار کارگران کارخانه تولید شکر "کارون شوشتر" از پانزده هزار نفر در گذشته، به دوازده هزار نفر در حال حاضر کاهش یافته است.

- کارگران کارخانه قند دزفول، بیش از هشت ماه است دستمزد نگرفته اند.

- شرکت "پوشینه بافت" قزوین با بیش از ۷۰۰ کارگر که در حال حاضر با یک چهارم ظرفیت کار می کند، به بخش خصوصی واگذار گردید. در عین حال کارفرمای شرکت بیش از ۴۰۰ میلیون تومان از مزایای قانونی کارگران از سه سال پیش و نیز یک ماه حقوق کارگران را نپرداخته است.



## استحاله شوراهای اسلامی کار و توهم زدائی ILO

جمهوری اسلامی، ربطی به کارگران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری حتا از نوع سندیکا و اتحادیه ندارد، بلکه تمام این تلاش ها به منظور ایجاد تشکل های دیگری است از بالا وبدون مداخله کارگران، تشکل هایی وابسته به رژیم و اخته، چیزی شبیه شوراهای اسلامی کار فعلی ولو با کمی تغییر وتعدیل! کما این که آنها امسال در بیانیه خود به مناسبت اول ماه مه، تلویحا به این موضوع نیز اشاره کردند که نمایندگان سرمایه داری ایران تلاش دارند با حذف پاره ای از مواد آئین نامه اجرائی شورای اسلامی کار، آن را در قالب انجمن های صنفی بگنجانند! و یا در نامه سرگشاده خود که بعد از دیدار اخیر هیئت اعزامی ILO از ایران وتوافقات مربوطه صادر شده است، از "بی توجهی" ILO به استقلال کارگران در ایجاد سندیکاها، به نرمی انتقاد شده و این شیوه را مغایر با روح حق آزادی تشکل خوانده اند.

گرچه این را هنوز نمی توان ونیاید نقطه پایان توهمات "هئیت مؤسس سندیکاهاى کارگری" و هم فکرا نشان به این تلاش ها و توهم پراکنی آنها تلقی کرد، اما این حقیقتی است که جریان مسافرت هیئت های ILO، به ایران، پذیرش مسئولین خانه کارگر به عنوان نمایندگان کارگران ایران و پذیرش شورای اسلامی کار به عنوان تشکلات منتخب کارگری و بالاخره تلاش ها ومذاکرات وتوافقاتش با دولت اسلامی وتشکل های رژیمى، خود به بهترین نحوی از این ارگان وكوشش های مشترک آن با دولت اسلامی توهم زدائی کرده است. حقیقتا آیا کسی هست که هنوز نسبت به ماهیت تلاش های نمایندگان بورژوازی بین المللی وشركای داخلی آنها و نسبت به اهداف ومقاصد آنها درکنترل مبارزات کارگری و به بیراهه کشاندن مبارزه طبقه کارگر ایران تردیدی داشته باشد؟

از سال های قبل در خانه کارگر تشکلی شده بود، اخیرا فعال شده است که به این "انجمن ها" شکل دهد تا در هینتی به ظاهر جدید، به انجام وظایفی درچارچوب وظایف پیشین بپردازد و بازو در بازوی مدیریت، کارگر را به همکاری با سرمایه دارو تبعیت از کارفرما بکشاندو نظم وانضباط وامنیت کارخانه وسرمایه را تامین کند. محمد دانشور، به اصطلاح نماینده کارگران در شورای عالی کار می گوید، "باید این باور در کار فرمایان ایجاد شود که تشکلات کارگری بازوی مفید مدیریت در برقراری ارتباط متقابل کارگر و کارفرما هستند. . ." (ایلنا- ۸۳/۷/۲۰)

برای نماینده ILO هم مهم ترین مسئله آن است که تشکل های کارگری مورد قبول کارفرما، دولت وکارگر (بخوان خانه کارگر) باشد و "نام" تشکل هم که طبعاً فاقد اهمیت است!

به این ترتیب خود نمایندگان ILO برای آن دسته از افراد و جریاناتی که نسبت به این ارگان توهماتی داشتند، بار دیگر توهم زدائی می کند.

توهم زدائی از این روشن تر که در این تلاش ها و صحبت ها و رفت وآمدها اصلا حرف و بحثی از توده کارگران و کارگران پیشرو وتشکل های کارگری مورد نظر آنها نیست؟ نه تنها این، حتا از سندیکالیست ها ومداخله ومشارکت آنان در ایجاد تشکل های کارگری هم خبری نیست! البته کارگران آگاه و پیشرو، هیچگاه نسبت به این ارگان ها توهمی نداشته اند و ندارند. اما سندیکالیست ها که در سفر سال ۸۱ هیئت ILO به ایران، بسیار ذوق زده شده واز شوق ایجاد سندیکاهاى "آزاد ومستقل" و در تائید توافقات ILO و دولت اسلامی، نامه آنچنانی وحمايت آمیز به وزیر کار رژیم نوشته بودند وپیشنهاداتی هم برای ایجاد سندیکا ها داده بودند، نه تنها در "همایش ملی کار" آذر ماه سال گذشته و بحث پیرامون تشکل های کارگری، مورد بی اعتنائی قرار گرفتند وحتا یک دعوت خشک و خالی هم از آنها به عمل نیامد، - واین البته مورد گله وانتقاد "هئیت موسسان سندیکاهاى مستقل کارگری" قرارگرفت، بلکه در گام های بعدی هم چیزی نصیب آنها نشد ونمایندگان ILO که ظاهرا دنبال ایجاد سندیکا وتشکل های مستقل و آزاد کارگری بودند، این ها را به همراه تمام توهمات وخوش باوری هایشان به حال خود رها ساخته وندیده گرفتند. این دسته از کارگران و هم فکرا آنها، با برآورده نشدن انتظارانشان قاعدتا بایستی متوجه شده باشند که تلاش های مشترک ILO و دولت

ILO ونیز در تغییرات ماده ۱۳۱ و ۱۳۷ قانون کار هم انعکاس یافته است، بمانند و صرفا به ایفای نقش مشورتی بپردازند. که در هر حال بدین ترتیب مراد ILO هم از ایجاد تشکل های کارگری حاصل شده است! هر جا انجمن صنفی شکل گرفت که گرفت، هر جا نگرفت، از راه حمایت از همین تشکل های موجود با انجام تغییراتی به قول نماینده ILO در راستای مقاله نامه ۸۷، باید به "تقویت تشکل های کارگری" پرداخت! به عبارت دیگر چنین به نظر می آید که معضل وگره تشکل های کارگری، قرار است در سایه تلاش های مشترک دولت ونمایندگان ILO و توافقات تشکل های رژیمى، با یک استحاله ساده شوراهای اسلامی کار بر طرف وگره کار، تشکل های کارگری مستقل و آزاد، گشوده شود.

سخنان حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در مجمع سالانه خانه کارگر در "سنگاچین" نیز حاکی از آن است که مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نیز بیش از پیش به این استحاله فکر می کنند و خود را برای ایجاد تغییراتی در ساختار شوراهای اسلامی کار آماده کرده اند. آنها نیز به طور قطعی به این مسئله رسیده اند که تشکل هایشان دیگر نمی توانند در شکل و قواره گذشته ادامه کار داشته باشند. اومی گوید، "نمی توان در چارچوب بسته و تفکرات قدیمی انتظار تحولی در ساختارهای کهنه تشکلات کارگری را داشت، بنا براین می بایست این ساختار قدیمی را منهدم و طرح جدیدی ارائه داد". آقای صادقی در سخنان خود ضمن تاکید بر این موضوع که اگر ساختار این تشکلات تغییر اساسی نکنند، سرنوشتی جز امحاء و نابودی در انتظار آن نیست، چنین عنوان نمود که توام با "تعامل و گفتگو" ساختار جدیدی باید ایجاد شود و خود را "آلوده حرکت های سیاسی" نکند! (ایلنا)

در کنار این توافقات وتغییرات عمومی واساسی، مخالفت های بی رمقی که از سوی برخی دست اندر کاران شوراهای اسلامی در زمینه تغییرات فصل ششم قانون کار نسبت به تضعیف اختیارات این "شوراهای" به عمل می آید، البته که تعارفاتی خشک وخالی بیشتر نیست. برای جلو گیری از مرگ حتمی، آنها به استحاله با هر درجه ای از تضعیف، با، یا بدون حفظ نام، آماده اند، کافی ست نام "سندیکا" روی آن نباشد. حسن صادقی در این مورد می گوید، "کلمه سندیکا در جمهوری اسلامی مردود است و باعث گریز نیروی کار و التهاب درجامعه کارگری خواهد شد" (ایلنا ۸۳/۷/۲۵)

بیهوده نیست که دفتر انجمن های صنفی که

### کمک مالی

هامبورگ مازیار ۶۰ یورو

### رژیم جمهوری اسلامی

را باید

با یک اعتصاب عمومی سیاسی

و قیام مسلحانه

بر انداخت



## پی آمدهای اقتصادی و سیاسی افزایش درآمد نفت

توده های زحمتکش مردم قرار گیرد، باعث تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی به مردم ایران و وخامت بیشتر شرایط مادی و معیشتی توده های کارگر خواهد شد. ممکن است ظاهراً این گفتار متناقض به نظر برسد. چطور ممکن است درآمد حاصل از نفت دو برابر شود، اما شرایط مادی و معیشتی توده مردم وخیم تر گردد؟

برای نشان دادن این واقعیت، نیازی به بحث های عریض و طویل نیست. تنها اشاره ای به این واقعیت کافی است که از این ۱۰ میلیارد دلاری که در ۶ ماه اول سال جاری بر درآمد حاصل از نفت افزوده شده است، یک ریال هم عاید توده های زحمتکش مردم نشده است، اما در طول همین ۶ ماه، افزایش بهای نفت در بازار جهانی، منجر به افزایش بهای کالاها و خدمات مورد نیاز مردم در این بازار شده است و بر سرعت روند افزایش بهای کالاها و خدمات در ایران نیز تأثیرات مخربی برجای نهاده است. به نحوی که نرخ تورم در ۶ ماه نخست سال جاری در مقایسه با نیمه اول سال گذشته، ۲۵ درصد افزایش یافته است. یعنی در حالی که درآمد حاصل از نفت نزدیک به ۹۰ درصد افزایش یافته است، قدرت خرید مردم کارگر و زحمتکش، ۲۵ درصد کاهش یافته است، سطح معیشت آنها مدام تنزل نموده و فقیرتر شده اند.

به رغم این افزایش کلان درآمدهای دولت از نفت، رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، نه تنها کمترین اقدامی حتماً برای حفظ سطح معیشت توده های مردم در همان محدوده سال گذشته انجام نداده، بلکه در برابر تلاش و مبارزه کارگران و معلمان و پرستاران زحمتکش، برای افزایش سطح دستمزد و حقوق و مزایای خود به شدت مقاومت ورزیده و اغلب این مبارزات را با قهر و سرکوب پاسخ داده است. کارگران ایران با فقر مطلق روبرو هستند. سال به سال وضعیت مادی و معیشتی آنها وخیم تر شده است. اکثریت بسیار عظیم کارگران ایران حتماً با اضافه کاری و گاه یک کار جنبی، قادر به تأمین حداقل معیشت خود نیستند. چندین میلیون تن از زحمتکشان، بیکار و گرسنه اند، اما رژیم حاضر نیست، حتماً بخش کوچکی از درآمد چندین میلیارد دلاری نفت را به بهبود شرایط زندگی این توده عظیم اختصاص دهد. اکثریت معلمان ایران، در زیر خط فقر زندگی می کنند. اغلب، آنها ناگزیرند در ساعات فراغت کار دیگری را انجام دهند، تا بتوانند زندگی محقر روزمره خود را بگذرانند. آنها چندین سال مداوم است که برای افزایش حقوق و بهبود شرایط مادی و معیشتی خود، مبارزه می کنند، اما رژیم

کمترین اقدام جدی در جهت تحقق مطالبات این قشر زحمتکش انجام نداده است. پرستاران در ایران، با حقوقی بسیار نازل که کفاف زندگی شان را نمی دهد، ناگزیرند ساعت ها، کار طاقت فرسای خود را انجام دهند. مدت های مدید است که آنها نیز از جمله خواهان افزایش حقوق، بهبود امکانات مادی و رفاهی و کاهش ساعات کار هستند، اما تاکنون به جز وعده و وعید چیزی عاید آنها نشده است.

پس، این درآمد هنگفت نفت و افزایش پی در پی آن به کجا سرازیر می شود؟ اگر چیزی از آن عاید توده های زحمتکش مردم ایران نشده و نمی شود، به جیب چه کسانی می رود؟

دستگاه انگل دولتی در ایران که وظیفه آن حراست از نظام طبقاتی سرمایه داری موجود و حفظ منافع طبقه سرمایه دار و دیگر ثروتمندان و انگل های جامعه است، همه ساله میلیاردها دلار از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران را می بلعد و بخش کلانی از درآمد نفت نیز صرف نگهداری این دستگاه و به ویژه ارگان های نظامی و سرکوب آن می شود.

در راس بورکراسی دستگاه دولتی، بورژوازی دولتی قرار گرفته است که با در دست داشتن بخش مهمی از موسسات تولیدی و خدماتی، مستقیم و غیر مستقیم، بخش قابل ملاحظه ای از این درآمد کلان نفت را به جیب خود سرازیر می کند. باقی مانده آن نیز سهم بورژوازی بخش خصوصی می شود. یکی از مهم ترین کانال های سرازیر کردن درآمدهای حاصل از نفت به جیب سرمایه داران ایران از جمله بخش خصوصی، صندوق ذخیره ارزی است.

چند سال پیش که این صندوق تشکیل شد، رژیم ادعای کرد که این صندوق را از آن رو ایجاد کرده است که مازاد درآمد نفت، ذخیره ای برای آیندگان باشد و مانع از بر باد رفتن ثروت های جامعه گردد!! اما اکنون، پس از گذشت چند سال، چیزی در این صندوق باقی نمانده است.

اندوخته های این صندوق کجا رفت و برسر آنها چه آمد؟ می دانیم که در طول یک سال گذشته، میلیاردها دلار از این صندوق برداشت شده است. یک بخش آن را دولت مستقیماً برداشت کرده است و صرف هزینه های مازاد دستگاه دولتی به ویژه بخش نظامی و خرید تسلیحات کرده است. بخش دیگر آن نیز با توجیه سرمایه گذاری، به صورت وام و اعتبار، در ابعاد چند صد میلیونی در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی و یا دقیق تر ائتلاف بورژوازی

دولتی و خصوصی قرار داده شده است. سرمایه داران ایران با به جریان انداختن این پول های کلان در بورس بازی و دلالتی، در مدتی کوتاه چند برابر آن را به عنوان سود به جیب خود سرازیر می کنند و پس از گذشت مدتی، اصل وام هم در پیچ و خم دستگاه بورکراسی موجود ناپدید می شود.

بنابراین روشن است که تمام درآمدهای نفت به هر میزان که باشد، مستقیم و غیر مستقیم عاید طبقه سرمایه دار ایران و کارگزاران این طبقه می شود. افزایش کنونی درآمد نفت نیز همان سرنوشتی را خواهد داشت که تاکنون درآمدهای نفتی داشته اند. نتیجه این که از این همه افزایش در آمد نفت نه فقط چیزی عاید توده های کارگر و زحمتکش نمی شود بلکه حداقل اش تحمیل فشار تورم بر دوش توده های مردم خواهد بود. اما تنها از جنبه اقتصادی نیست که افزایش درآمد نفت، با وجود نظم طبقاتی موجود و رژیم ارتجاعی کنونی نتیجه اش، فشار اقتصادی و مادی بیشتر بر توده های زحمتکش است، بلکه از جنبه سیاسی نیز فشار و سرکوب تشدید خواهد شد. چرا که رژیم، تلاش خواهد کرد، از این افزایش هنگفت درآمد نفت برای تحکیم موقعیت سیاسی خود استفاده کند.

رژیمی که موقعیت خود را با تکیه بر زور و سر نیزه و اختناق حفظ کرده است، با این افزایش درآمد نفت، بر طول و عرض دستگاه نظامی و سرکوب خود، ارتش، سپاه، پلیس، بسیج، دادگاهها و زندان ها خواهد افزود، تا بدین طریق موقعیت خود را مستحکم کند. از این رو، افزایش درآمدهای حاصل از نفت، تا زمانی که دیکتاتوری های عریان بر ایران حاکم باشند، همواره به معنای تشدید اختناق و سرکوب و فشار سیاسی بیشتر بر توده های مردم ایران خواهد بود.

توده های کارگر و زحمتکش مردم ایران، برای این که ثمرات کار و دسترنج خود را از حلقوم سرمایه داران و دستگاه دولتی انگل آنها در آورند، برای این که اجازه ندهند درآمدهای حاصل از نفت به جیب سرمایه داران سرازیر شود، برای این که اجازه ندهند افزایش درآمد نفت خود به عاملی برای تشدید و خامت شرایط معیشتی و تشدید فشار سیاسی بر آنها تبدیل شود و برای این که ثمرات کار توده های کارگر و زحمتکش ایران صرف بهبود شرایط مادی و رفاه شان گردد، راه دیگری جز تشدید مبارزه برای تحقق مطالبات خود، تشدید مبارزه علیه رژیم سیاسی حاکم و تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم و دگرگونی تمام نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی موجود ندارند. تنها با تشدید مبارزه می توان از شرتمام مصائب و فجایع نظم موجود رهائی یافت.

مصاحبه با نسترن، یک معلم مبارز

## پیکارهای آموزگاران، رنج‌های دانش‌آموزان

آن مقداری که ما درخواست کرده بودیم. خواسته‌هایی را که قبول نکردند یک سری خواسته در مورد بیمه بود مثلاً ما هر جا می‌رویم بیشتر هزینه را باید به بیمارستان و دکتر پرداخت کنیم اما شرکت نفتی‌ها خودشان کلینیک و بیمه خاص دارند. بیمه برخی بیمه خدمات درمانی‌ست و بیمه معلمان بیمه خدمات اجتماعی و تفاوت در این است که پورسانتی که از ما می‌گیرند خیلی زیاد است.

البته وقتی بهشتی (دبیرکل کانون صنفی معلمان) را کتک زدند و دستگیرش کردند شعارها خود به خود سیاسی شدند. رژیم هم اصرار داشت که اشخاصی مانند وی فعالان سیاسی هستند و کاری به معلمان ندارد. اما ما خیلی جاها سر کلاس نرفتیم و نتیجه امتحان‌ها را ندادیم تا سرانجام بهشتی و بعد هم ذاتی را آزاد کردند.

**کار: آیا معلمان دارای تشکلاتی هستند و آیا امکان ایجاد تشکل مستقل وجود دارد؟**

**نسترن:** ما تشکل معلمان داریم که خیلی قوی‌ست و اطلاع‌رسانی خیلی خوبی دارد. روزی که قرار است اعتصابی را شروع کنیم، اعلامیه‌هایش قبلاً به همه مدارس آمده بدون آن که فهمیده بشود که چه کسی آن را آورده است. همکاران به یکدیگر تلفن می‌کنند و با هم رابطه دارند. این تشکلات مستقل هستند. ممکن است من شخصاً بفهمم اما اشخاص مشکوک نمی‌فهمند که تشکلات مستقل وجود دارند. البته تشکلات به اصطلاح غربال شده نیستند که مثلاً همه هم عقیده باشیم و همه چپ باشیم و همه ضد رژیم باشیم. همه ضد رژیم نیستند اما از رژیم مستقل هستند و کاری به کسی و ارگان دیگری ندارند.

**کار: آیا تشکلاتی که گفتید علنی هستند؟**

**نسترن:** تشکلات در تهران خواسته‌هایشان را علنی بیان می‌کنند اسم می‌نویسند مثلاً تشکل استان گیلان، مازندران، اصفهان یا خوزستان.

**کار: آیا معلمان و تشکلاتشان با دیگران تماس دارند و سعی می‌کنند با کارگران، پرستاران و دانشجویان ارتباط داشته باشند و آیا دیگران با معلمان اعلام همبستگی می‌کنند؟**

**نسترن:** آخرین باری که ما اعتصاب کردیم، تنها کسانی که با ما اعلام همبستگی کردند پرستاران بودند، البته به جز دانش‌آموزان که همیشه با ما هستند.

شرکت نساجی تجارت همه کارگران را پارسال باز خرید و اخراج کرد. اسم شرکت قبلاً سیمین بود و دولت آن را به جای بدهی‌اش به بانک تجارت داد. کارگران این شرکت دو سال پیش از اعتصاب معلمان باخیر شدند و با ما اعلام همبستگی کردند اما نه از طریق رسانه‌ها بلکه از طریق شخصی. چون می‌خواهند که رنگ سیاسی نگیرد و سرکوب تسهیل نشود. برای رژیم اعلام همبستگی رنگ سیاسی دارد. وقتی هم که کارگران گلبافت یزد و اصفهان اعتصاب کردند معلمان باخیر شدند و از آنان حمایت کردند. اما فعلاً وضعیت جوری‌ست که این مسائل اگر یک ذره رنگ سیاسی بگیرد و از آنجایی که رژیم راحت آدم می‌کشد، اعلام همبستگی‌ها زیاد نیست. با این حال دانشجویان دانشگاه‌های تهران، اصفهان، مشهد و شیراز علناً از اعتصاب معلمان حمایت کردند. مسئولان تشکلات ما می‌گویند که فعلاً خودمان باشیم تا ببینیم بعدها چه می‌شود.

**کار: شما در ابتداء کمی از خواسته‌های معلمان زن سخن گفتید. آیا آنان خواسته‌های دیگری به ویژه در مورد حجاب اسلامی و حق انتخاب پوشش دارند؟**

**نسترن:** حذف حجاب هنوز جزو خواسته‌ها نیست. زیرا در شرایط کنونی رعایت نکردن حجاب برابر با شلاق خوردن است. اما ما در مورد رنگ لباس‌ها خواسته‌هایی را مطرح کردیم. قبلاً رنگ‌های تیره مانند سیاه و سرمه‌ای سیر اجباری بودند. اما حالا رنگ‌های آبی آسمانی، سفید، کرم و قهوه‌ای روشن را پذیرفته‌اند.

خوشبختانه با استخدام معلمان مرد برای دخترها در سطح دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در مراکز غیرانتفاعی موافقت کردند و اکنون همکاران مرد در دبیرستان‌های دخترانه تدریس می‌کنند.

**نسترن در یکی از مدارس استان مازندران آموزگار است. محیطی که نسترن در آن کار می‌کند حدود پانصد دانش‌آموز دارد و کادر دبیرستان از یک مدیر، دو معاون، دو سرایدار و سی و پنج دبیر تشکیل شده است. فرصتی دست داد تا با او از معلمان و مبارزات اخیرشان و همچنین از دانش‌آموزان و مشکلاتشان گفت‌وگو کنیم.**

**کار: دور جدید مبارزات معلمان از کی شروع شد؟**

**نسترن:** معلمان دور جدید اعتراضات خود را از سال ۱۳۸۱ آغاز کردند. اولین گروه معلمان رفتند نزدیک دفتر ریاست جمهوری، آن جا همکاران ما را خیلی زدند.

همه معلمان از شهرستان به تهران نمی‌روند. ما در شهرمان دو تا نماینده داریم که به نوبت می‌روند. ما در اردیبهشت ماه مصادف با روز کارگر اعتصاب کردیم و اعلام کردیم که اگر ظرف ۱۵ روز به ما جواب ندهید از امتحان گرفتن در تلت سوم خبری نخواهد بود. ۵ روز نگذشته بود که قبول کردند برخی از خواسته‌ها را اجراء کنند که بعداً سه بند را اجراء کردند. یک خواسته امان این بود که معلمان زن با ۲۵ سال سابقه بازنشسته بشوند یا زنانی که ۵۰ سال سن دارند در هفته ۲۰ ساعت کار کنند و نه ۲۴ ساعت که وظیفه هر زن و مردی‌ست. دولت این خواسته را در دی ماه پارسال تصویب کرد. چنین خواسته‌هایی را که زیاد به ضررشان نیست فوری تصویب می‌کنند.

ما در اردیبهشت ماه خیلی سخت گرفتیم و یک هفته کامل درسی را به کلاس‌ها نرفتیم و پرستارها هم دو روز بعد از ما اعتصاب کردند. مهلتی که ما و پرستاران داده بودیم درست در یک روز تمام می‌شد. اما پرستاران بیشتر خواسته‌هایشان را گرفتند. ظاهراً برخی از فعالان‌شان با چند نماینده‌ی مجلس نزدیک بودند و گویا آنان در رژیم بیشتر دست داشتند و زودتر به نتیجه رسیدند.

**کار: شما گفتید که نمایندگانی به تهران می‌روند. آنان چگونه انتخاب می‌شوند؟**

**نسترن:** نماینده‌ها را خود معلمان انتخاب می‌کنند و معمولاً معلمانی که فعالند مشخص هستند منتها این انتخاب صورت علنی ندارد. ما ابتداء با همکاری صحبیت می‌کنیم که مورد اعتمادان هستند و بعد انتخابشان می‌کنیم که معمولاً دو نفر هستند.

**کار: شما همچنین گفتید که برخی خواسته‌ها را اجراء کردند، می‌توانید مثال بزنید؟**

**نسترن:** مثلاً یک مرد معلم می‌تواند بچه‌اش را بیمه کند کلاً مردان مزایای دیگر و بیشتری دارند چه مثلاً برای بازنشستگی‌اشان و چه حتا اگر فوت کنند حقوقشان به ورثه می‌رسد، اما برای معلمان زن این جوری نیست. یکی از خواسته‌های ما این بود که وقتی یک زن معلم می‌میرد بچه‌هایش هیچ‌گونه حق و حقوقی ندارند و حقوقش به بچه‌ها و شوهرش نمی‌رسد و ما خواستار استقاده بچه‌ها از حقوق معلمان زن تا سن ۱۸ سالگی شدیم.

حقوق ما بی‌اندازه کم است یک شعار ما که معمولاً با طنز همراه می‌شود این است: شغل معلم شغل انبیاست اما حقوقش نصف افغاناست. همه‌ی ارگان‌هایی که استخدام رسمی می‌کنند موقع بازنشستگی با موقع باز خرید یک مبلغی می‌دهند. یکی از خواسته‌های ما این بود که در هنگام بازنشستگی به ما هم مبلغی بدهند. رژیم قبول کرد اما نه آن مقداری که در شرکت نفت و شرکت هواپیمایی می‌دهند. الان به ما هم می‌دهند ولی نه به آن اندازه. مثلاً به یک معلم که ۳۰ سال کار کرده ۶ میلیون تومان می‌دهند که پس از مالیات ۵ / ۴ میلیون تومان واریز می‌کنند. در واقع این خواسته را دست و پا شکسته پذیرفتند. خواسته دیگر ما که پذیرفته شد در مورد زوج‌های معلم بود. خواست ما این بود که زن و شوهر بتوانند زمان کاری خود را تنظیم کنند. برای تحقق این خواسته کمی سختگیری کردند ولی امسال گفتند که می‌توانید این کار را بکنید، مثلاً اگر شوهر من معلم است او می‌تواند صبح سر کار برود و من بعدازظهرها یا بالعکس.

**کار: خواسته‌های معلمان در چه زمینه‌هایی‌ست؟**

**نسترن:** خواسته‌های ما بیشتر اقتصادی‌ست. حقوق ما را زیاد کردند ولی نه



کنند و در صورت دلخواه سرکوب نمایند.

مسئله مهم جامعه برای جوانان مسئله ارتباط و محکم شدن روابط آن هاست که در نهایت به نفع رژیم نیست و این ها نیز مثل بقیه رژیم های حاکم از نیروی جوان واهمه دارند و می خواهند به هر صورتی شده آن ها را مشغول نمایند و این طور راحت تر کنترل کنند و در صورت لزوم سرکوبی آن ها آسان تر شود. اعتیاد در بین جوانان زیر ۲۰ سال بی داد می کند موافقش ها به مراتب از ادترند و در پارک ها بسیار راحت به فروش مواد می پردازند. پارکی که پر از مأمور است، مأمورانی که کوچک ترین رفتارها را کنترل می کنند با اعتیاد و معتاد زیاد دشمنی ندارند چون به بی خطر بودن شخص معتاد آگاه هستند. در کنار این همه موافقش و خریدار اگر دختری یا پسرری کوچک ترین حرفی با جنس مخالف بزند حتماً مورد مؤاخذه قرار می گیرد و شاید هم کارش به شلاق و جریمه بگشند.

همیشه بچه ها به چنین وضعی اعتراض دارند و دنبال راه چاره هستند ولی کو راهنما و به همین جهت نیروهای دیگری که کانال های رنگ و وارنگی در اختیار دارند می توانند تأثیرات زیادی داشته باشند. متأسفانه جوانان از وجود نیروهای مترقی بیخبرند و اگر هم خبر داشته باشند، کم شمار هستند.

اغلب والدین بچه ها مشغول کار هستند آن قدر کار می کنند که وقتی به هم می رسند بی هوش می شوند و خرد و خسته هستند. اتفاق افتاده که واقعاً پدران خبر ندارند به سر بچه هایشان چه آمده و چه می آید و هستند پداری که اصلاً خبر ندارند بچه هایشان چندم هستند و هیچ زمانی والدین از خواست و نیاز آن ها خبر ندارند و اگر هم داشته باشند نمی توانند کاری انجام دهند.

دانش آموزان وسیله پیشرفت تحصیلی که ندارند هیچ تازه تغذیه مناسبی هم ندارند و به قول معروف زیر خط فقر به سر می برند و گاهی اتفاق می افتد که آن ها در کلاس غش می کنند که علتی جز سوء تغذیه ندارد. مسائلی که من می گویم حتماً برای هیچ کدامان تازگی ندارد ولی باز هم یادآوریش بد نیست. البته عده انگشت شماری نیز هستند که از نظر مالی در رفاه هستند ولی بقیه کمبودها را با خود پدک می کشند.

بارها اتفاق افتاده است که نوجوانی را دستگیر می کنند که سرقت کرده یا به قاچاق مواد مخدر روی آورده است و در زمانی که از وی علت را سؤال می کنند جوابش این است: خرجی نداشتم و گرسنه بودم. این قبیل اتفاق ها آزاردهنده و وحشتناک است. وقتی صفحه حوادث جراید را می خوانی می بینی اکثر تبه کاران، دزدان، قاچاقچی ها و سارقان سنشان زیر ۲۵ سال است و این بزرگ ترین ننگ برای رژیم است که نمی تواند نیاز مردمش را تأمین کند و رفاه نسبی آن ها را فراهم نماید، آن هم برای مملکت ما که سرمایه ایش این قدر زیاد است.

#### کار: مدرسه ها از نظر امکانات چه وضعیتی دارند؟

**نسترن:** معمولاً مدرسه ها باید دارای یک سری امکانات باشند از قبیل وسایل ورزشی، وسایل کمک درسی، سیستم گرما و سرمایی و کتابخانه. ولی ما در مدارس مشغول به کار هستیم که با امکانات در حد متوسط پایین هم نیستند.

بارها از این و آن خواستیم کمکی کنند تا بتوانیم وسیله ای برای مدرسه بخریم، کتاب هایی برای کتابخانه ها تهیه کنیم. ولی آنانی هم که می توانند کمک کنند می گویند ما پولی برای این کارها نداریم و پول های کلانی در اختیار مسئولین می گذارند که پولشان حلال بشود و از قیل این کار به خواسته های دیگرشان برسند. پولدارها برای خوش نامی خود مستقیماً به مسئولین پول برای مدرسه سازی می دهند، ولی کسی به فکر مدرسه ساخته شده که سقفش هر لحظه ممکن است بریزد نیست. بارها اتفاق افتاده بچه ها در کلاس درس با ریزش سقف روبه رو شده اند. آن هم در تهران وای به حال بقیه. پول مدرسه سازی تا بیاید به مدارس برسد آب می شود. کتابخانه ها کتاب ندارند و فقط کتاب هایی را عرضه می کنند که به درد خودشان می خورد که چاپ بنیاد شهید و حوزه علمیه هستند. گهگاهی از بچه ها پولی گرفته می شود که آن هم فقط دو یا سه کتاب می شود. در جلساتی که با والدین داریم آنان می گویند ما خرجی بچه ها را به زور می دهیم وسایل دیگر پیشکششان.

بخشنامه ای برای ما آمده است که حتماً باید از وسایل کمک آموزشی استفاده کنیم. بارها از این و آن پول خواسته ایم. همیشه دست از پا دراز تر برگشته ایم. از اداره برای کتابخانه پول می خواهیم، می گویند ما چنین پولی در رأس برنامه نداریم و چنین بودجه ای منظور نشده است. ما در مدرسه تلویزیون کوچکی داریم که روی دیوار است و وقتی برای نمایش فیلمی به سالن مدرسه می رویم آخر سر همه گردن ها درد گرفته است.

در چنین اوضاع و احوالی ما تدریس می کنیم. وضع ما هم بهتر از بقیه نیست و به قول معروف مبلغ حقوقمان به روزهای دو رقمی برج نمی رسد و تمام می شود و برای امرار معاش باید به کارهای دیگری بپردازیم از قبیل کار

اگر رژیم متوجه بشود که معلمان زن کمی موهایشان را بیرون مقنعه کرده اند که وایلا می کند. اما به شما بگویم که خوب مقنعه برای معلمان زن اجباری است، ولی اکثر معلمان زن از خانه با مقنعه بیرون می روند و در وسط های درس مقنعه به میان سر می رسد و آخر هم کاملاً پایین می افتد!

#### کار: روابط بین معلمان و شاگردان و مسئولین مدرسه چگونه است؟

**نسترن:** روابط بین دبیران و مدیران متفاوت است و بستگی به چگونگی شخصیت مدیر و طرف مقابل دارد. گاهی اتفاق می افتد که مدیران بسیار خشن و طرفدار سرسخت رژیم هستند و دائم برای آن ها تبلیغ می کنند ولی گاهی برعکس مدیرانی هستند که همدل و هم افق هستند و می توانند راحت با ما در ارتباط باشند ولی اکثرآ حزب الهی هستند و کار کردن با آن ها خیلی سخت است و در بین دبیران هم آدم هایی هستند که طرفدارند و مأموریت دارند که به کارها و اعمال ما نظارت کنند و در صورت لزوم خبرچینی کنند که اینان کاملاً چهره های شناخته شده ای هستند.

#### کار: وضعیت دانش آموزان به طور کلی چگونه است؟

**نسترن:** دانش آموزان متأسفانه هیچ انگیزه ای برای درس خواندن ندارند چون در اطراف خود تحصیل کرده ها را می بینند که در بیکاری به سر می برند یا با فلاکت زندگی می کنند. از کتاب های درس به شدت نفرت دارند، چون بسیار پر حجم و بی محتوا هستند، مخصوصاً درس های حفظی و دانش آموزان مجبورند در طی سال آن ها را حفظ کنند و در امتحان ها جوابگو باشند و کتاب ها هیچکدام با سلیقه و خواسته بچه ها جور نیستند و با حقیقت مطابقتی ندارند. بچه ها بسیار روشن هستند، آماده هر گونه بحث و گفتگو هستند، نظر می دهند، انتقاد می کنند و معتقدند که این نوشته های دیکته شده قابل مرور نیستند چه برسد به این که حفظشان کنند.

یادم می آید زمانی که ما محصل بودیم انشائی که باید می نوشتیم دارای چنین مضمونی بود: علم بهتر است یا ثروت؟ ما اغلب جوابمان این بود که علم، چون ثروت را می زدند ولی علم قابل سرقت نیست. حالا بچه ها معتقدند که در اجتماع ما علم و عالم به درد نمی خورد، ثروت است که حرف اول را می زند، چون دکترها و مهندس های این مرز و بوم بیکارند و ثروتمندها مشغول چاپیدن دیگران و به مراتب راحت تر زندگی می کنند.

دانش آموزان بسیار باهوش و زبل و آگاه از مسائلی هستند که در کشور اتفاق می افتد، مهربان اند و قدرشناس، خوب را از بد تشخیص می دهند. به راحتی می توان با آنان ساعت ها به بحث و گفتگو پرداخت. آماده هر اشاره ای هستند که از واقعیت جامعه صحبت کنند، به مسائل بپردازند، انتقاد کنند و رامحل پیدا نمایند و به همین خاطر آنان خیلی زود تحت تأثیر ماهوارها قرار می گیرند و گفته های آن ها را آیه منزل قلمداد می کنند و به خیابان ها می ریزند و به دست مأمورین می افتند.

#### کار: آیا بین دانش آموزان دختر و پسر تفاوتی هست؟

**نسترن:** دانش آموزان دختر بیش تر از پسران درس می خوانند و درصد قبولی آنان به مراتب بیش تر از پسر هاست.

#### کار: محدودیت هایی که رژیم به جامعه تحمیل کرده در بچه ها چه تأثیری گذاشته است؟

**نسترن:** رژیم حاکم یک سری محدودیت ها اعمال می کند که برای ما نیز غیر قابل تحمل است، چه برسد به بچه هایی که در شور و شوق جوانی هستند. این محدودیت ها در روح و روان بچه ها تأثیر بسیار بدی دارند. آن همه تهدید و ارباب نمی تواند آنان را آرام بگذارد و دائماً در اضطراب هستند و می گویند خوشا به حال شما که در دوران هم سن و سالی ما این قدر رنج نمی بردید. بچه ها می گویند: ما چیز مهمی نمی خواهیم فقط به یک سری اختیارات و آزادی های معمولی نیاز داریم به هر بهانه ای زیر شلاق و زندان می رویم. نوع لباس پسران، حجاب دختران و رعایت نکردن آن ها مهم ترین خلاف است و از خود اختیاری نداریم. یک سری قوانین از پیش انتخاب شده هست که باید در مدرسه و خیابان اطاعت کنیم. روابط ما بسیار محدود است و گاهی شاید اگر از هفت خوان رستم بگذریم و والدین اجازه بدهند در خانه با یکدیگر جمع شویم و ساعتی با هم باشیم و بعضی مواقع هم پدر و مادرها از پذیرایی عاجزند و این اجازه را نمی دهند و خرج این دور هم جمع شدن یک چای است و مقداری شیرینی و می گویند ما را نسبت به جنس مخالف حریص کرده اند و این منتهای آرزوی آن هاست که ما به جز مسئله سکس به چیز دیگری فکر نکنیم چون در این صورت می توانند راحت تر ما را کنترل

## خاطرات فرانک از کار در کارخانه ی فولکس واگن

وجود دارد. نسبت تعداد کارگران استخدامی از غرب و شرق آلمان ۵۰ به ۵۰ است. کارگران خارجی زیادی نیز وجود دارند، بطور مثال کارگران ترک و روسی. یک زن هم استخدام شده است، که البته پس از مدت کوتاهی استعفا می دهد.

انواع و اقسام لوازم اتومبیل مانند، فرمان، تایلر ماشین، و غیره با ابزار کار بسیار ساده مونتاژ می شوند. استفاده از ابزار ابتدایی در کارخانه ی عظیمی مانند فولکس واگن تعجب فرانک را برمی انگیزد. فرانک از خود می پرسد، پس روبات ها کجا هستند؟ البته کسی جواب این سوال را نمی داند زیرا که همه ی کارگران مانند او جدید هستند و کسی اطلاعی ندارد. هیچگونه امکان برقراری ارتباط با گروه دیگر وجود ندارد. کسی رئیس را نمی بیند که از او سؤالی بکند. برای هر چهار گروه فقط یک نفر مسئول وجود دارد که مهندس کارخانه است. تقسیم کار در گروه با توافق اعضا و با مسئولیت فردی انجام می گیرد. نه رئیسی برای گروه وجود دارد و نه نماینده یا سخنگویی. صحبت و توافق برای چگونگی انجام کار مشمول ساعت کار نمی شود و بایستی در وقت اضافه هر بار قبل از به راه افتادن باند سیال کارخانه انجام گیرد. در آغاز کار هر روز سر این که چه کسی، بایستی چه کاری را به عهده گیرد، دعوا بود. بعد ها برنامه ی هفتگی تنظیم شد. این برنامه نیز عملاً رعایت نمی شد، چون همیشه افرادی بودند که غیبت داشتند. فرانک و همکارانش سعی می کنند تا برنامه ی کار را طوری طرح ریزی کنند که هر کس، در هر روز، کاری متفاوت با روزهای دیگر انجام دهد تا به افراد واحد فشار نیاید.

کار در سه شیفت متفاوت انجام می گیرد؛ یک هفته، صبح، یک هفته بعد از ظهر و یک هفته شب. سه بار در روز، هر بار برای نیم ساعت باند متوقف می شود، تا کارهای معوقه، انجام شوند یا کارهای جدید آماده شوند. تقریباً هر روز در پایان شیفت آخر باید اضافه کاری کرد. تقریباً در تمامی آخر هفته ها نیز باید کار کرد؛ گاهی وقت ها نیز در هر دو روز شنبه و یکشنبه، یعنی هفت روز هفته. اگر چه در صحبت اولیه در هنگام معرفی، به او گفته شده بود که حداکثر یک روز در آخر هفته باید کار کرد. ناگفته نماند که فرانک هر روز دو ساعت در راه رفت و آمد برای رسیدن به محل کار و بازگشتن به منزل است.

فشار روانی در حین کار وحشتناک است، مخصوصاً هنگام چسباندن برچسب ها که تمام روز تکرار می شود. فشار انجام کار در زمانی معین و محدود، قدرت تفکر را سلب می کند. شیفت ها، کارگر کافی ندارند و اشتباهات زیادی انجام می شود که در عمل به معنای اضافه کاری است. کسی نمی داند که آیا این اضافه کاری پرداخت می شود، یا مجانی است، چرا که در قرارداد کار آمده است، در صورتی که کاری اشتباه انجام شود، و برای جبران آن اضافه کاری ضروری باشد، پرداختی صورت نمی گیرد. تذکرات و اخطارات شفاهی مداوم نیز بر این فشار کاری می افزایند. بر سرعت حرکت باند هر هفته افزوده می شود. از دوره های آموزشی که طبق تعرفه های کار بایستی از سوی کارفرما عرضه شود، برای کارگران دوره ی آزمایشی، خبری نیست.

در هر شیفت ۴۶ دقیقه وقت تنفس وجود دارد، دو بار ۱۳ دقیقه و یک بار، ۲۰ دقیقه.

در این هنگام کارگران اجازه دارند، در کابینی شیشه ای که کنار باند قرار دارد، استراحت کرده و یا غذای خود را گرم کرده و بخورند. اما چون این زمان بسیار کوتاه است، خیلی وقت ها از غذا خوردن صرفنظر می شود. فرانک در آغاز کار خود ۱۰ کیلو وزن کم می کند. به جای غذا خوردن، او آب می نوشد، ۵ لیتر در روز. به خاطر گرمای وحشتناک در محل کار او مجبور است این مقدار آب بنوشد. او به خاطر می آورد که در روزنامه ای راجع به وجود هواکش های مدرن در محل کارخانه ی فولکس واگن خوانده بود. اما در سالنی که او کار می کرد، هیچگونه هواکشی وجود نداشت. با وجود تبلیغاتی که فولکس واگن می کند، کار در این کارخانه طاقت فرسا است و هر کس که نتواند از عهده ی کار برآید، فوراً اخراج می شود. کسانی که به دلیل بیماری مرخصی می گیرند، از قبل اخراج شده اند، و به همین دلیل به خودشان اجازه می دهند که در آخرین روزهای کار خود، هنگام بیماری، تقاضای مرخصی کنند. کسی که در این کارخانه دو بار مریض شود به حضور رئیس احضار شده و تذکرات لازم را دریافت می کند. البته کارگران قانوناً موظف به حفظ اسرار کارخانه هستند! تنها انگیزه ی بسیاری از کارگران برای تحمل این شرایط، به دست آوردن قرارداد کار دائم است. اما برای فرانک و دو نفر دیگر از کارگران حتی این انگیزه برای تحمل شرایط طاقت فرسای کار در کارخانه ی فولکس واگن کافی نبود. هر سه استعفا می دهند.

مترجم: افسانه پویش

مأخذ: مجله ی Wildcat، شماره ی ۷۱، پاییز ۲۰۰۴

## مصاحبه با نسترن، یک معلم مبارز

کردن روی تاکسی، کار کردن در مغازه ها یا دست فروشی که مختص مردان است. زنان نیز در خانه به کارهای دستی می پردازند یا این که از شهرهای دیگر جنس می آورند و به فروش می رسانند یا از آرایشگاه می زنند و از این قبیل کارها می کنند.

هستند کسانی که از این وضع رنج می برند و تحمل ندارند و دست به خودکشی می زنند. بارها اتفاق افتاده است که دانش آموزی برای شرکت در المپیادها نتوانسته به تهران برود چون خرج سفر نداشته و یک مورد برای شاگرد خود اتفاق افتاد و در استان اول شد ولی نتوانست به تهران برود. خلاصه هر چه از وضع بد بگویم کم گفته ام. این رژیم به فکر ما نیست فقط سرکوبگری بلد است.

**کار: چشم انداز شما از مبارزات آینده معلمان و به طور کلی مبارزات مردم چیست؟**

**نسترن:** من تنها چیزی که دلم می خواد صدای ما را همه بشنوند این هست که کاری کرده اند که بین معلم با معلم فاصله بیفتاد و همه از هم بترسند. الان واقعیت این است. ما اکنون در شرایط مشابه سال های ۵۳، ۵۴ و ۵۵ هستیم. همه ناراحت از دستگیری ها و اعدام ها هستند ولی هیچکس به روی خودش نمی آورد، مگر اینکه اشخاص خیلی به هم نزدیک باشند.

مردم هنوز کشتارها و سرکوب های رژیم را فراموش نکرده اند و فکر می کنند هر لحظه ممکن است بریزند و دستگیرشان کنند. ما حتا در خانه آهسته صحبت می کنیم. مردم هنوز واژه دارند. اگر فعالیت مشکلی هم باشد خیلی محدود است و محسوس نیست و هیچ نیرویی فعلاً در ایران سراغ نداریم.

الان تا می توانند مردم را اذیت می کنند. مردم نگران آینده خود و فرزندانشان هستند. خفقان زیاد است و جوانان آزادی ندارند. حالا برای مردم روشن شده که «چپ» و «راست» این رژیم فرقی ندارد و حنای خاتمی و اصلاح طلبان هم دیگر رنگی ندارد. جنبش معلمان هم نمی تواند تا ابد در سطح فعلی بماند و خواسته هایش به تدریج رنگ دیگری می گیرد. مردم روز به روز جسورتر می شوند. کسی قبلاً در دفتر مدرسه حرفی نمی زد، اما الان حرف ها و انتقادات بیشتر شده است. خرداد ۸۲ با اسفند ۸۱ فرق داشت، همانطور که اسفند ۸۲ هم با مهر ۸۳ خیلی فرق دارد.

پیام من به خوانندگان نشریه کار این است که تلویزیون های ماهواره ای سلطنت طلب بی خود و بی جهت برخی از مردم را گمراه می کنند. شما خودتان می دانید که هفتم و هشتم مهر این اهورا چه بلوایی راه انداخت. نیروهای چپ باید برای کرایه کردن ماهواره تلاش کنند و مطمئن باشند که خیلی ها حاضرند به آنان کمک کنند. ما در ایران به تمام نیروهای چپ انقلابی نیازمندیم.

از صفحه ۱۲

## سومین فوروم اجتماعی اروپا چالش‌ها و پارادوکس‌ها

کشورهای جنوب اروپا که نیاورنده‌های مادی و پایه‌ای زندگی، مسائل ارجح آنان می‌باشد، شرکتی در مباحث مربوط به قانون اساسی نداشتند، حتی یکی از فعالین اتحادیه‌ای اسپانیا، بحث قانون اساسی را بحثی لوکس خواند و گفت هنگامی که ما در جنوب اروپا برای یک لقمه نان و سقف بالای سرمان مبارزه می‌کنیم، کشت و آشنائی یا بحث بر سر "یسر" نداریم، پس ما را معذور دارید. وی این گفته را در پاسخ به انتقاد یکی از شرکت کنندگان سوئدی اعلام کرده بود که شرکت کنندگان از جنوب اروپا را به برخورد پاسیو در بحث قانون اساسی متهم کرده بود. مشارکت زنان در فوروم همچون سال‌های گذشته چشمگیر اما بی‌برنامه بود. علیرغم حضور گسترده، مباحث و نتایج مشخص و کنکرتی که نشانگر عمل مشترک باشد، برجای نماند. گرچه دهها جلسه بحث به موضوعاتی حول اشتغال زنان، بهداشت، حقوق برابر و... اختصاص داده شده بود اما به تصویب و توافق‌های کنکرت نیانجامید. تنها مصوبه مجمع عمومی زنان که روز ۱۴ اکتبر برگزار شد، مخالفت با پیش نویس قانون اساسی بود. این ضعف بخشا در پراکندگی و امتیزه بودن فعالیتهای زنان است و بخشا در بی‌توجهی و کوتاهی مجموعه نیروهای رادیکال و چپ فوروم نسبت به مسئله زنان است. به طور مثال با این که مجمع عمومی زنان اروپا ۲ سال گذشته میزبان هزاران تن از فعالین زن از اروپاست اما تاریخ برگزاری آن که یک روز قبل از افتتاحیه رسمی فوروم است، از سوی برگزار کنندگان به رسمیت شناخته نشده است. تحت چنین شرایطی این گردهم آئی هم در دومین سال وجودی اش دچار انشعاب شد. همزمان با برگزاری مجمع زنان، عده‌ای که یک سوم شرکت کنندگان در مجمع زنان بودند، به عنوان اعتراض، تجمعی در فضای آزاد برگزار کرده بودند. این مجمع مبحث مربوط به تصویب پلاتفرم زنان اروپا و یا "مانیفست زنان" را از دستور کار خود خارج کرده بود و عملاً محلی شد برای دیدار و گفتگو و نه چیزی فراتر از آن. یکی از اجزاء موفق فعالیت‌های شرکت زنان، رسانه خبری زنان اروپا بود که برای دومین سال متوالی توانست با کار شبانه‌روزی، اخبار و گزارشات فوروم را با دیدی انتقادی منعکس نماید. فعالین زنان از کشورهای شرق اروپا که در فوروم حضور داشتند، از این که مسائل و معضلات خود را در مباحث غایب دیدند، اظهار تاسف کرده و فوروم را به عنوان اعتراض ترک

از صفحه ۴

## اخبار کارگری جهان

مطالبات رفاهی است. کارگران برای پیشبرد مبارزات خود یک کمیته عمل متشکل از نمایندگان کارگران ۸ کارخانه تشکیل داده و با شعار "بهبود شرایط، به هر قیمت" یکرشته اعتصاب را برپا کردند. در روزهای این اعتصاب دو روزه، کارگران در خیابانهای چند شهر دست به راه پیمائی و برپائی تجمعات اعتراضی زدند.

### اعتصاب کارگران در جمهوری بنین

هزاران کارگر و کارمند دولت در جمهوری آفریقای بنین از حقوق و دستمزدهای خود ناراضی هستند. اوایل ماه اکتبر مذاکرات بین نمایندگان شاغلین دولت و مقامات دولتی با بن بست مواجه شد. با به بن بست رسیدن راه مذاکره، راه مبارزه مستقیم در مقابل کارگران و کارکنان ناراضی دولت قرار گرفت. در همین راستا اولین دور اعتصاب در روز ۱۹ اکتبر به مدت ۳ روز آغاز شد. در طول این اعتصاب تمام مراکز و ادارات دولتی، مدارس، مراکز درمانی، خدمات حمل و نقل شهری مسافران و فرودگاه این کشور کاملاً تعطیل شد. شورای اتحادیه‌های کارگری جمهوری بنین این حرکت اعتصابی را تنها شروع مبارزات خود در راستای تحقق مطالبات اعتصابیون اعلام نمود.

### اعتصاب عمومی در کلمبیا

اوضاع سیاسی و اقتصادی کلمبیا هر روز وخیم تر می‌شود. در همین راستا اتحادیه‌های کارگری، معلمان و سازمانهای دانشجویی با تشکیل "رهبری واحد" امر پیشبرد مبارزات روزمره میلیونها کارگر و زحمتکش را به عهده گرفته است. روز ۱۲ اکتبر، روز آغاز مبارزه توده‌های مردم برای بهبود شرایط بود. در این روز دهها هزار نفر در سراسر کلمبیا دست به اعتصاب زدند. خواست اعتصابیون در این روز: مقاومت در مقابل تلاش سرمایه داران برای انتخاب مجدد رئیس جمهور این کشور، تلاش برای خروج فوری کلمبیا از عضویت در بازار مشترک کشورهای قاره آمریکا به رهبری امپریالیسم آمریکا و بالاخره بهبود شرایط زندگی توده‌های مردم بود. از نزدیک به دو هفته قبل از این اعتصاب، هزاران نفر از نقاط مختلف کشور راه پیمائی وسیعی را به سمت پایتخت آغاز نمودند تا بتوانند در روز ۱۲ اکتبر در تظاهرات وسیع میدان مرکزی شهر بوگوتا شرکت کنند. در این تظاهرات نمایندگان مختلفی از سوی اعتصابیون سخنرانی کرده و از توده‌های مردم خواستند که مبارزه خود علیه اجحافات آشکار سرمایه داران را تا پیروزی نهائی ادامه دهند.

کردند. آنها در اطلاعیه اعتراضی، برخورد زنان کشورهای شمال اروپا را برخوردی تحکم آمیز و "غیرخیرخواهانه" ارزیابی کردند. همچنین در این رابطه زنان چپ و سوسیالیست فرانسوی از این که بخش اعظم ۱۵۰۰۰ نظافت چی که طی سه روز برگزاری فوروم به کار مشغول بودند، از زنان سیاهپوست بودند، شدیداً اعتراض کردند. آنها ضمن محکوم نمودن آپارتاید جنسی و نژادی در کار، آن هم در فورومی که قرار است، آلترناتیو جامعه فعلی باشد، همگان را به اعتراض فراخوانند.

"بلوک سوسیالیستی" اروپا که متشکل از احزاب مترقی و چپ اروپاست، با شعار مسکن برای همه مباحث متعددی علیه خصوصی سازی مسکن به راه انداخت. تسریع پروسه خصوصی سازی خانه سازی و مسکن در اروپا، فشار زیادی بر کارگران و اقشار کم درآمد اروپا وارد می‌آورد. طی ۳ سال که از عمر فوروم می‌گذرد تعداد بی خانمان‌های اروپا ۲۵ درصد افزایش یافته است. این بلوک اعلام داشت در مذاکراتی با اتحادیه‌های کارگری، در صدد ایجاد اتحادیه‌های مستاجری وابسته به اتحادیه‌های کارگران می‌باشند. که بر امر اسکان خانواده‌های کارگری کنترل و نظارت کنند.

پایان بخش سومین فوروم اجتماعی اروپا، تظاهرات صد هزار نفره در لندن بود که شعار نه به جنگ در آن طنبن انداز بود. از جمله دستاوردهای مهم مبارزاتی سومین فوروم اجتماعی، تعیین قراردادهای مبارزاتی طی ماههای آینده است. فعالین کارگری و اتحادیه‌ای در اعتراض به حمله علیه دستاوردهای مبارزاتی اقدام به برگزاری ۲ آکسیون سراسری خواهد نمود. روز ۹ نوامبر رتردام، بزرگترین بندر جهان میزبان کارگران اروپاست. انتخاب رتردام به خاطر ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپاست که تا پایان سال جاری به عهده هلند است. روز ۱۱ نوامبر نیز بار دیگر کارگران اروپا در بروکسل به کاهش دستمزدها، افزایش ساعات کار و... اعتراض خواهند نمود. "نابودبایدین وضعیت" شعار محوری این دو روز خواهد بود.

فعالین جنبش ضد جنگ از ۹ تا ۱۶ نوامبر در نوار غزه، سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیست‌ها را محکوم خواهند نمود. این هفته، هفته مبارزه علیه نظامی گری نامیده شد.

برگزاری تظاهرات در ژوئیه ۲۰۰۵ علیه انحصارات امپریالیستی در اسکاتلند، قرارمبارزاتی فعالین جنبش آلتر-گلوبالیست است. آنها همزمان با برگزاری اجلاس سران G۸ (۸ کشور صنعتی جهان) علیه اقتصاد نئولیبرالی به مبارزه برخاواند خاست.

از سایت جدید سازمان دیدن کنید

<http://www.fedaiian-minority.org>

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R آلمان  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

I. S. F دانمارک  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

M. A. M سوئد  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

Sepehry سوئیس  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

A. A. A فرانسه  
MBE 265  
23 Rue Lecourbe  
75015 Paris France

K.Z کانادا  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A  
6932641 Postbank  
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹  
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲  
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):  
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

**KAR**

Organization Of Fedaiian (Minority)  
No. 440 october 2004

سازماندهی یک آکسیون سراسری در اروپا مورد بحث قرار گرفت، شرکت کنندگان به اتفاق بر این گفته رهبر حزب بازسازی کمونیستی ایتالیا تاکید کردند که گفت:

”تظاهرات بدون آلترناتیو، آنهم در چنین شرایط بحرانی برای ما کشنده است.“ وی در توضیح این گفته خود اظهار داشت چنان چه ما در چنین شرایطی قادر به سازماندهی و ارائه آلترناتیو خود نباشیم، فاتحه خود را خوانده ایم و تا سال های سال قادر نخواهیم بود، چنین نیروئی را بسیج کنیم. یکی دیگر از مباحث محوری در فوروم، سیاست های جنگ طلبانه امپریالیست ها بود. اشغال نظامی عراق و تشدید وخامت اوضاع سیاسی و اقتصادی در این کشور، مورد مخالفت قاطع فوروم واقع گردید و شعارهای نه به جنگ، نه به اشغال نظامی در سراسر فوروم طنین انداز بود. از سوی دیگر، شرکت نیروهای فعال و چپ عراقی در اجلاس های متعدد، وضعیت کنونی عراق را به طور مستند و مستقیم به نمایش گذارد. نمایش فیلم هایی از قساوت و سرکوب توسط نیروهای نظامی امپریالیست ها، بیکاری، فقر، فحشا از دیگر جنبه های انعکاس وضعیت عراق بودند. در جلساتی که حول این موضوع برگزار شد، رهبر فدراسیون اتحادیه های کارگری انگلیس که به تازگی تاسیس شده است، از تعطیلی کارخانجات، بیکاری، فقر و خانه خرابی کارگران گزارش داد. وی ضمن ابراز مخالفت با حضور نظامی آمریکا گفت: ”هر لحظه از حضور این نیروها، سالها صنعت و تولید و پیشرفت عراق را به عقب می برد“ وی گفت مبارزه کارگران عراق بیش از هر چیز علیه حضور نظامی است.

بحث حول پیش نویس قانون اساسی اروپا یکی دیگر از موضوعات فوروم راتشکیل می داد. بحثی که عمدتاً از سوی هیئت های کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای مرفه اروپا پیش برده می شد. هیئت های اعزامی اسکاتلند، ایرلند، سوئد و دانمارک از جمله فعالین مباحث فوق بودند. آن ها ضمن مخالفت با پیش نویس قانون اساسی، از این ایده دفاع می کردند که موجودیت یا عدم موجودیت اروپای واحد باید به رای گیری در فراندوم گذاشته شود. آنها مخالفت خود با پیش نویس را به دلیل قراردادن قانون اساسی بر پایه های میلیاریسم و اقتصاد نئولیبرالی ذکر کردند. آنها تصویب قانون اساسی اروپا را ضربه ای به چپ، به رادیکالیسم و به جنبش های اجتماعی اروپا تلقی می کنند و لذا خواهان رای ”نه“ به اروپا شدند.

قابل ذکر است که هیئت های اعزامی از در صفحه ۱۱

## سومین فوروم اجتماعی اروپا چالش ها و پارادوکس ها

سومین فوروم اجتماعی اروپا از ۱۴ اکتبر سال جاری تا ۱۷ اکتبر در لندن- انگلستان برگزار شد. این گردهم آئی که سالانه برگزار می گردد، محل تجمع فعالین جنبش های اجتماعی؛ کارگری، زنان، دانشجویی، ضد جنگ، طرفداران محیط زیست و... می باشد. در جریان این چهار روز، بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از سراسر اروپا شرکت نمودند. ۵۰۰ جلسه و ممتینگ برگزار شد و صدها سخنران حول موضوعات متعدد به بحث و مناظره پرداختند. از جمله مهمترین تم های فوروم می توان به حمله و اشغال نظامی عراق، اشغال نظامی فلسطین، تغییرات جوی، تبعیض جنسی، تبعیض نژادی و بحث حول پیش نویس قانون اساسی اروپا اشاره کرد.

در سومین فوروم، آن چه مشهود است نیاز اروپا به مبارزه ای متحد، متشکل و هدفمند است. گرچه شعار فوروم، ”اروپای دیگری ممکن است“ می باشد، اما آن چه فعالین جنبش های اجتماعی و فعالین جنبش کمونیستی بیش از پیش در مقابل خود قرار داده اند، چگونگی ایجاد اروپای دیگر است. چگونگی تحقق اتحاد و همبستگی فرامرزی، ارائه آلترناتیو، بسیج و سازماندهی از جمله چالش هایی است که فوروم و فعالین رادیکال آن با آن روبرو هستند.

مشارکت نیروهای رادیکال اروپا در سومین فوروم، منسجم تر از سال های گذشته بود. اروپا در حال حاضر با شرایط وخیم اقتصادی روبروست. حملاتی که بورژوازی حاکم در کشورهای اروپایی خصوصاً در آلمان، انگلستان، بلژیک و هلند به دستاوردهای مبارزاتی کارگران، طی ماههای اخیر صورت داده است، به اعتراضات و اعتصابات متعددی انجامیده است. در ماههای گذشته، آلمان دوشنبه هر هفته با اعتصابات کارگری روبروست. در هلند، پس از چندین دهه آرامش نسبی، موج اعتصابات این کشور را فراگرفته است. در چنین شرایطی است که شرکت اتحادیه ها و فعالین آنها در فوروم تفاوت کیفی با سال های قبل دارد. برگزاری جلسات و مباحثاتی حول شرایط کار در اروپا، افزایش ساعات کار، انجماد دستمزدها و نزول خدمات رفاهی، به ایجاد دیالوگ در میان فعالین کارگری اروپا و سازماندهی حرکات اعتراضی سراسری در اروپا انجامید. توافقات فیما بین حاکی از تاکید فعالین جنبش کارگری و کمونیستی بر سر ارائه آلترناتیو و بدیل مشخص است. در اجلاسی که

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی